بسم الله رحمن ورحیم كف ١ ٢ ٤ ١ ٥

من هیر اشرف سم دعلم دفتر ملغ رشم سم فهرم شرر کرد نمارفقغ

هر کو هر در ولش الا لافر کو سیه رحمت فوع حق یک حق

٤ ١ ٨

١

اسمعیل

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والنار للملحدین والجنة للصابرین وصلی
الله علی محمد وآله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اما بعد چنین گوید این ذره
بیمقدار خاکسار بخدمت برادران و خواهران ایمانی که این سؤال جواب از برای عالیجناب
علامة العلما فخر المحققین وقدوة المجتهدین شیخنا العالم الکامل آقا شیخ محمد دام ظله العالی
سلمه الله تعالی امید که بنظر هر صاحب غیرتی برسد این روسیاه و والدین این حقیر را از
دعا فراموش نفرمایند بجناب اقدس الهی اورا و والدین اورا بحق محمد صلی الله علیه وآله

سؤال چه میفرمایند درباره شخصی که بسیار شک و سهو غالب باشد و در نماز شک
کند و علامت نماز را بر هم زده باشد از سر گیرد آیا نماز چنین شخصی صحیح است یا نه جواب
چنین شخصی معصیتکار میباشد ولیکن نماز ثانی او صحیح و مرضی میباشد والله

هو العالم

هو العالم سؤال هرگاه شخصی تکبیرة الاحرام را چنان بگوید که خود هم نشنود و با مثال
نیت از خواطر بکند آیا نماز او چه صورت دارد صحیح است یا نه جواب هرگاه تکبیرة الاحرام
را تماما بر زبان جاری نسازد مثل نیت بخواطر بکند البته کلا یا بعضا نماز او باطل است
بی اشکال خواه عمدا و سهوا چنانچه بر زبان جاری سازد ولیکن نشنود بعلت ثقل سامعه
یا مانع دیگر مثل همهمه خلق یا غیرها اما نفی نکرده و صلوة او صحیح خواهد بود و
هرگاه نشنیدن منشاش شدت اخفا باشد مانند آنکه شخصی مستوی الخلقه است در
قوت سامعه حکم بفساد او محل اشکالست پس رعایت احتیاط اولی است والله هو
العالم سؤال درباره شخصی که مرتبه اجتهاد نداشته باشد و تقلید هم بمجتهد حی
نموده باشد هرگاه شخصی مسئله از مسائل آخر را جوابات از او استفتا نمایند از روی
علمای گذشته بار و جواب بگوید آیا چنین شخصی هم آثم و فاسق و مردود الشهادة است
یا نه جواب هرگاه جواب مفروض را بطریق فتوای من غیر اسناد الی مجتهد میگوید
حاصل آنکه خود معتقد باشد بی اشکال آثم و فاسق و مردود الشهادة در صورت
اصرار بلکه مطلقا میباشد و هرگاه نقل فتاوی سلف را ترک و علی وجه الحکایت
من غیر ترجیح و غیر اغرا بالجهل کند حکم بفسق او نمیتوان کرد و منشا سلب عدالت نخواهد
شد و این جواب مفروض وجوه و اعتبارات دارد و حکم در همه یکی نیست والله
هو العالم سؤال ملا اگر که اجتهاد و تقلید او بکسی معلوم نباشد آیا دیگران از او

از او مسئله نموده عمل بقول مذکور دیانة سؤال ج نمیتواند عمل نمود بگفته چنین شخصی هرگاه
خود مفتی باشد سؤال اجتهاد بچه چیز میتوان بوجه شناخت آیا بمحض اظهار
و ادعا ثابت میشود یا اینکه علامت دیگر دارد و بر وجه روشن بیان فرمائید
ج اجتهاد ثابت میشود بمعاشرت که مفید باشد و همچنین ثابت میشود
باستفاضه و اشتهار مفید علم بشهادت عدلین و اما بشهادت عادل واحد
و شهادت نساء و لو منضمات مع الرجال و بادعاء خود شخص ثابت نمیشود و در
صورت عدم حصول ظن قوی از انها و یا غیر انها ثبوتش محل اشکال است و رعایت
احتیاط مهما امکن اولیست والله هو العالم س با وجود اجتهاد هرگاه عدالت
نداشته باشد باو تقلید میتوان کرد یا نه ج نمیتوان تقلید مجتهد کرد الا
بعد از ثبوت عدالت او شرعا والله هو العالم س چیزهائیکه در نماز زنان
جهت ستر استثناء شده از قبیل رو و کف دستها و رو و کف پاها هرگاه مرد
اجنبی بانها نگاه کند چه صورت دارد حلال است یا حرام جواب احوط ترکست
والله هو العالم س هرگاه شخصی از سخنهای تنوینهای واجبی و سنتی او ایه قران
مثل ربنا ظلمنا و غیره بجهت نماز او چه صورت دارد ج هرگاه آیه باشد که قرآن
بودن آن بمحض قصد ممتاز میشود مثل معروض و قصد قرآن نداشته باشد
عیبی ندارد و هرگاه قصد قرآن مشتبه نمیشود والله هو العالم س هرگاه شخصی

بعضی

بعضی مسئله از مسائل واجبه از مجتهدین حی از او سؤال نماید آیا واجبست با او
که جواب مسئله را بگوید یا نه و هرگاه جواب را نگوید آثم است و گناهکار یا نه
ج هرگاه معلوم شد باشد فتوای مجتهد مذکور و شخص سائل احتیاج داشته
باشد در امر دینش بیان فتوای و رفع احتیاج او نشود الا بگفتن و نقل نمودن شخص
مسئول منه و سائل اعتماد داشته باشد بمسئول محل سؤال امور واجبه یا محرم
باشد در فرضیت در این صورت وجوب نقل فتوای و اما غیر این صورت وجوب نقل
محل اشکال است و لیکن شاید احوط باشد والله هو العالم س آیا بر مقلد واجبست
که در وقت طلب کفتن اسم مجتهدی را که باو تقلید نموده اظهار سازد یا نه و هرگاه
اظهار نسازد عدالت از او سلب میشود یا نه ج بعضی از علما نسبت فتوای محکی
عنه را واجب میدانند و لیکن احوط است مگر در صورت اینکه از قرائن احوال معلوم بوده
باشد که از یکی نقل میکند والله هو العالم س چه میفرمائید در این که آب چاه به
وجب نیم عمق و سه وجب و نیم طول و سه وجب نیم عرض داشته باشد هرگاه نجاست باو
ملاقات نماید و احد اوصاف ثلاثه او را تغییر ندهد آیا واجبست نزح آب بجهت شارع مقدس
ظلمه در این باب وقوع نجاستها بچاه امر نموده یا نه ج در نجس شدن آب چاه مطلقا
خواه بقدر کر باشد و خواه نباشد بملاقات نجاست اگرچه متغیر نشود در اختلافست در
میان علما اکثر متقدمین بر قول نجاست و اکثر متاخرین بر قول بطهارت

و از آنجمله جناب والد است رحمة الله و بعضی واجب میدانند نزح را تقلید او احوط
مراعات مولانا است والله هو العالم س هرگاه آب چاه انعقاد از آب کر کمتر باشد آیا
بمجرد ملاقات نجاست نجس میشود یا نه ج کلام در این مسئله گذشت س چه
میفرمایند که هرگاه شخصی مبلغ شش هزار دینار بشخصی بطریق مباح بجهة مظالم بدهد بیک
عدد اشرفی بقوم ما فی بوعده یکماه مثلا شخصی شش هزار دینار بشخصی بدهد و بگوید
این شش هزار دینار را با تو مصالحه میکنم بوعده یکماه بیک عدد اشرفی و آن شخص
هم بگوید که قبول کردم آیا آن شخص پول دهنده شرعا استحقاق دارد که بعد از انقضای
یکماه یک عدد اشرفی را از آن شخص بگیرد یا نه ج اقوی آنست که قبض مجلس
شرط نیست در صلح مطلقا بناء علیه فرض سؤال از این جهت عیبی ندارد والله هو
العالم س حمامی که غسالهاش بجای غصبی جاری میشود آیا غسل همچه حمام چه صورت
دارد ج غسل در چنین حمامی عیبی ندارد و صحیح است والله هو العالم س و اگر در خزینه
حمام غسل کنند و در وقت غسل کردن از خزانه آب بجای غصبی نرود اما بعد از چند روز که
معتاد آن خزانه است که آبش را خالی میکنند و بجای غصبی میرود آیا غسل در آنجا
چه صورت دارد ج گفته شد که غسل در چنین حمام صحیح است والله هو العالم
س اگر کسی در اذکار مستحبه نماز غلط بخواند آیا نمازش درست است یا باطل ج
احوط ترک غلط است در اذکار مستحبه و عدم فرق ما بین اذکار واجبه و مستحبه در آن

ولیکن

ولیکن اقرب فرقست و عدم بطلان بغلط در اذکار مستحبه والله هو العالم س اگر
کسی نماز را بکند بعد از آن امام جماعت حاضر شود و اقامهٔ جماعت حاضر شود و اقامهٔ
جماعت بکند آیا دوباره نماز کردن با جماعت مستحب است یا نه ج بلی مستحب است والله
هو العالم س اگر کسی سهوا نماز عشا را نکرده بخوابد و آن را جاهل بمسئله صبح آنرا
روزه نداردیا آنکه بعد از ترک صوم نماید آیا قضای این روزه واجبست یا نه و حال آنکه
قضای فوائت شامل اینهم هست ج مسئله محل خلافست و احوط اتیان بقضا است
والله هو العالم س اگر امام جماعت سبقت بگیرد بر ماموم برکوع یا سجود را بعمد آورد
سر بعد اشتراک آیا تکلیف ماموم در اینصورت چه چیز است ج هرگاه عدول
بانفراد نماید ماموم بعد از آنکه فی الجمله متابعت امام را نموده نمازش صحیح است
و در غیر این صورت احتیاج بتأمل است والله هو العالم س اگر در بین نماز شک
کند آیا بچه نیت افتتاح نماز کرده است مثلا با نیت ظهر بوده یا بنیت عصر و حال آنکه
نماز عصر قبل از آن نکرده که احتمال ظهر داشته باشد ج بنا را بر ظهر گذارد و اعاده
کند والله هو العالم س هرگاه شخصی رد مظالم داشته باشد آیا میتواند ببعید فقیر
بدهد یا نه ج احوط آنست که رد مظالم متعارف بین الناس بهمین بدهد والله
هو العالم س کسی که جاهل مسئله باشد یا اینکه در نماز دو رکعت آخر حمد و سوره
خوانده نمازش صحیح است یا نه ج در دو رکعت آخر حمد و سوره خواندن نمازش صحیح است

یا نه س در دو رکعت آخر حمد و سوره خواندن نماز او صحیح است یا نه ج در دو رکعت
آخر حمد و سوره در رباعیات بلکه مکلف مخیر است ما بین حمد و تسبیح و سوره بر او نه
واجب و نه مستحب است بنا و علیه هر گاه خوانده جهلا مسئله تماما مبطلی از مبطلات صلوة بوده
بی اشکال نماز ان فاسد و جهل او عذر نمیشود و هر گاه مستلزم آن نبوده حکم ببطلان
آن صلوة محل اشکال است و رعایت احتیاط اولیست و لیکن احتمال صحت اقرب است
هو العالم س کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و در وقت افطار بعد افطار نماید
روزه او باطل است یا نه ج روزه او صحیح است و لیکن شخص عاصی در
صورت انکشاف مفطر بحرمت در حق آن هو العالم س مسائل شک و سهو را
پیش از نماز دانستن واجب است یا نه ج من باب المقدمه مثل سایر مسائل واجب است
و هر گاه ترک دانستن کند و اتفاق نیفتد شکی یا سهوی نماز او صحیح است هو العالم
س اگر شخصی تقلید مجتهد جامع الشرایط کرده باشد بعد از وفات او آیا
میتواند باز تقلید او کند یا باید رجوع نماید بمجتهد حی و بنا بر اینکه میتواند آیا در جمیع
مسائل میتواند یا باید اقتصار کند بان مسائل که تقلید کرده در زمان حیات
ج باید بر تقلیدی که کرده باقی باشد در آنچه بنای تقلید او گذارده تا مادامی که
مجتهد حی یا اعلم یا اورع او بهم رسد س شخصی که کثیر السهو باشد و هر قدر مسائل
واجبه را تحقیق کند و یاد گیرد و بیان باو بدهند نماز فراموش کند آیا صلوة او چه

صورت

صورت دارد ج بقدر مقدور سعی نماید که مسائل محتاج الیها را فراموش نکند و چنانچه
فراموش شد تا سعی دارد عمل باحتیاط نماید بهتر خواهد بود س چنانچه شخصی معنی تقلید را نه
فهمیده باشد و مقلد مجتهد نبوده و وضو و نماز و اجتناب از نجاسات و آنچه شرایط نماز است
بطریق صحیح آورده باشد آیا نماز او چه صورت دارد ج احوط اعاده است و هم
چنین قضا و لکن حکم بوجوب به بیجا محل اشکال است هو العالم س در باب آنکه شخصی ادعای
اجتهاد نماید بمثل عوام متحقق نشود و لیکن عادل باشد آیا میتوان تقلید او نمود یا نه ج
بمجرد ادعای عادل اثبات نمیشود علی الاقرب بل الاحوط فی بعض الصور والله العالم س شخصی
بنا گذارده که تقلید فلان مجتهد نماید و در مسائل چند متعدد تقلید او نموده آیا جایز است
که عدول نماید بتقلید مجتهد دیگر یا نه ج در صورت فتوای مجتهدین علما صورت
عدم تفاضل من الجنبین بعد از تقلید المجتهد لازم است که بر باقی بر تقلید مجتهد اول باشد
و جایز نیست رجوع هو العالم س و دیگر آنکه تقلید همان مجتهد میکرده و لیکن
در یک مسئله تقلید آن مجتهد اتفاق نیفتاده که تقلید نماید آیا جایز است که در آن
مسئله تقلید غیر نماید ج جایز است در صورت معروضه و نیز سابق والله العالم
س شخصی وارد مکان غصبی شود و وقت تنگ باشد و آب نباشد مگر آب
غصبی در این موضع جهت نماز چه باید کرد ج باید که تیمم کند در صورت عدم مکان
تحصیل رضای مالک یا من یقوم مقامه و هر گاه هیچیک ممکن نباشد طهارت ساقط است هو العالم

س در خصوص اینکه شخصی تقلید مجتهدی را میکرد در ایام حیوة ایشان
آیا جایز است تقلید همان مجتهد بعد از فوت ایشان یا نه ج شخص مقلد مفروض
بتقلید خود باقی میماند در آنچه تقلید نموده اجمالا یا تفصیلا مادامی که متمکن
از تقلید اورع یا اعلم از آن میت نباشد و در آنچه تقلید نکرده بایست رجوع
بشود بمجتهد جامع الشرایط هو العالم س هرگاه در ذمه شخصی نماز قضا
باشد آیا میتواند نماز ادا را در اول وقت بکند یا نه و همچنین شخصی که نماز قضا بر ذمه
او هست آیا نوافل یومیه را میتواند بکند یا نه ج در مسئله محل خلافست و احوط
تاخیر حاضره است تا آخر وقت و ترک نافله است س در این ایام جایز است یا اینکه نماز جمعه ج
واجب تخییری است ج نماز جمعه در این عصر واجب تخییری است و احوط ترک آنست
هو العالم س قرائت حمد و سوره در نماز زیاد در تشهد و قنوت در میان سوره هرگاه
بعد از هر آیه وقف نماید آیا نفس کشیدن بعد از وقف واجب است یا نه ج نفس
کشیدن در محل وقف احوط است ولیکن لزوم آن و لزوم عدم وقف بر حرکت
و عدم وصل بسکون بر دلیلی ثابت نشده ولکن هر دو احوط است واما وصل وقف
من حیث هو ولو کان واجبا عند القراء وجوب ندارد هو العالم ج متنجس
خفف کدام متنجس اند هم بعلتی کمتر است مثل خون معفو است یا نه جواب اجتماع
عفو قویست در بعضی صور ولیکن احوط اجتناب است مطلقا هو العالم س هرگاه ثوبی

بکلابتون

و با کلابتون جزئی طلا باشد یا ابریشم بافته باشند که از زر دوزی هند که کمخواب
مینامند و در ایران در نماز نمیپوشیدند و نماز خواندن کرده در چنین ثوبی
جایز است یا نه و همچنین هرگاه کلابتون مذبور در یک جای جامه بافته باشند
مانند بافتهای سیاه شمسه که متعارفست و مانند طاقهای که در سر حاشیه است بقدر
سر انگشت یا چهار انگشت یا بیشتر کلابتون مذبور را بافته باشند آیا این نیز جایز است یا عدم
جواز مثل سابق است یا فرق دارد و بر سبیل فرق فارق چه چیز است و همچنین هرگاه
کلابتون مذبور را با پنبه بافته باشند فرق با ابریشم دارد و همچنین هرگاه بوتها
در جامها از کلابتون نقره خالص و از کلابتون که طلا باشد یعنی بعضی بوتها از
کلابتون طلا باشد و بعضی از نقره این را با سابق فرقی هست یا نه و اگر فرق باشد وجه
فرق بر وجه شافی چه چیز است ج هرگاه صدق صلوة در حریر شود عرفا یا صدق
صلوة در طلا شود عرفا صلوة فاسد خواهد بود در چنین جامه نظر به همه دلیل
دال بر بطلان در هر دو و هرگاه صدق نشود این دو اسم مذکور اقرب صحت صلوة است
چنانچه در حریر ممتزج یا نقره مطلقا نقل با اقتضا در دلیل منع بر قدر متیقن و محل بحث
از او نیست و مقتضای قاعده صحت صلوة است در حریر ممتزج با طلا ولیکن اقرب بطلانست
بوجه [illegible] تفصیل مسئله را در کتاب مصابیح مذکور نمودم هو العالم س مثلا
کسی مقلد مجتهد جامع الشرایط است میخواهد بمجتهد دیگر یا مقلد او اقتدا کند اما

موافقت در مسائل نماز مثل تسبیحات اربعه و ذکر رکوع و تشهد و سلام وغیره که ما نمیدانیم
شرطست یا نه وغیره را هم بیان فرمایند ج چنانچه امام و ماموم محل اختلاف ایشان در
مسائل دینیه دخلی بنماز نداشته باشد مثل آنکه یکی بیع معاطاة را جایز داند و دیگری
نداند باجتهاد یا تقلید بی اشکال اقتدا صحیح و هرگاه محل اختلاف یکی از ارکان نماز
یا جزئی از اجزا و یا شرطی از شرایط یا مانعی از موانع آن باشد مثل آنکه امام قیام در تکبیر را
رکن نداند و ماموم بداند یا آنکه امام سوره را جزء واجب نداند و ماموم بداند و مجملا
امام چیزی را که ماموم لازم میداند لازم نداند هرگاه امام بنحوی نماز را بعمل آورد و لو
احتیاطا باعتقاد ماموم صحیح میباشد باز اقتدا مانعی ندارد و هرگاه بنحوی بعمل آورد
که باعتقاد ماموم صحیح نیست آن اقتدا جایز نیست والله هو العالم س در شخصی
که مجنب شد یا نجاست خارجی یا باطنی تطهیر آن چه طریق است ج بواطن و از
آنجمله باطن دهن است پاک میشود بمجرد زوال عین نجاست و حاجت تطهیر با آب
نیست و اشیائی که در لای دندان میباشد هرگاه شک شود در صورت نجاست
بآن حکم بطهارت او میشود و هرگاه رسید و متنجس شد با آب کر میتوان تطهیر داد
همچنین با آب قلیل باین نحو که آب ظاهر را در دهن کند بحیثیتی که بموضع متنجس برسد و بعد
از آن آب را بیرون کند و دور هرگاه چنین کند پاک میشود در صورت تعدد اخراج
آن از دهن والله هو العالم س حد بلوغ در مرد از حیثیت سن تمام شدن سال

پانزدهم

پانزدهم است و در زنان تمام شدن سال نهم یا داخل شدن بسال نهم از حیثیت سن
ج بلوغ ذکور از حیثیت سن تمامیت سال پانزدهم است و در اناث تمامیت
سال نهم است علی الاقرب فی المقامین والله العالم س شیر زوجه بر زوج حرام است
یا نه بر فرض حرمت آیا بر شوهرش حرام میشود یا نه خواه در صورت سهو و خواه در
صورت عمد و یا بعنوان معالجه مرض یا از روی جهل بمسئله ج شیر زن بر شوهرش و خودش
وغیر خودش از مکلفین خواه زوج و خواه غیر زوج حرام است در صورت عدم ضرورت
والله العالم س کسی که قضا داشته باشد نماز سنتی میتواند بکند یا نه و هم چنین
قبل از نماز واجبی نماز سنتی که غیر از نوافل یومیه باشد بکند یا نه ج احوط ترک
صلوة سنتی است در صورتین بغیر آنچه استثنا شده در صورت اخیره والله العالم
سؤال تمام شدن سجده بسر برداشتن است یا فارغ شدن از ذکر سجده جواب اکمال
سجده و تمامیت آن حاصل نمیشود الا برفع رأس والله هو العالم س کسی که سهوا
رکوع را فراموش کرده داخل سجده اول شد و در اثناء آن بیادش آمد که نکرده است
آیا نمازش باطلست یا آنکه سجده دوم داخل شود باطل است مثل آنکه خود نکرده در
صورت اول عود کند آیا راست ایستد و رکوع را بجا آورد و سر را بردارد و
راست بایستد بعد از آن بسجده برود ج چنانچه رکوع را فراموش کند و داخل
سجده اولی شود نمازش باطل میشود خواه آنکه شروع در ذکر کند یا نکند پس وقوف

نیست بطلان نماز بدخول در مسجد ثانیه س تطهیر مخرج بول یکمرتبه آب بریختن
باز الۀ نجاست کافیست یا نه و هم چنین مخرج غایط یکمرتبه شستن بیفاصله
که عین و اثرش زایل شود کافیست یا نه ج کافیست هر استنجا از غایط و تطهیر
مخرج از آن باب ازالۀ عین نجاست هر چند اجزای صغار باشد و اما استنجا
از بول احوط اعادت غسلتین است فعلا و لکن اقرب کفایت مثلا ما علی
الحشفه [illegible] لم یصدق علی ذلک الغسلتان والله العالم س طریقه غسل
ارتماسی در میان آب کر مثلا خزینه حمام یا حوض یا آب جاری که آب تا سینه
باشد میتوانند که همان جا که ایستاده نیت کند و با سر فرو رود یا خود را از
آب خارج نماید مطاوده و اینجا نیت کند و باب داخل شود و غوطه خورد یا اینکه
در جائی ایستد که آب تا زانویش یا کمتر یا یکوجب زیاده باشد و در آنجا
با سر فرو رود ج شرط نیست در غسل ارتماسی خروج از آب که خیر
تا زانو یا سینه باشد پس جایز است که ایستاده در آب غسل کند غسل
ارتماسی و لکن احوط خروج از آبست هو العالم س غسل ترتیبی را آیا
کسی در میان آب ایستاده و تا سینه اش هست میتواند بکند یا بنحوی که اول
سر را فرو برد بعد از آن جانب چپ یا اینکه در شستن جانبین از آب
بیرون آید و فرو رود یا آنکه بنظر مجموع اعضا را بشوید بر ترتیب معلوم

جواب

جواب در غسل ترتیبی جایز است ارتماس اعضا و لیکن احوط اخراج اعضا
که اراده غسل آن دارد نماید و بغیر از اخراج حکم بصحت آن مشکلست هو العالم
سؤال در تیمم که بدل از وضو یا غسل باشد یک ضرب کافیست یا نه و طریقه
مسح رو و دستها را مفصلا بیان فرمایند جواب اقرب در تیمم بدل از وضو
و در تیمم بدل غسل کفایت ضربه واحده است و لکن در هر دو تیمم خصوصا تیمم
دو تیمم است یکی یک ضربه و یکی دو ضربه و هر گاه زیاد در احتیاط طالب باشد
سه تیمم بعمل آورند یکی یک ضربه و یکی دو ضربه و یکی سه ضربه یعنی از برای
هر عضوی بخصوصه ضربه بزند هو العالم سؤال آیا قول عادل واحد در حکم طهارت
و نجاست حجت است یا نه جواب بقول عادل واحد اکتفا نمیتوان نمود در امر
مذکورین هو العالم سؤال چیزی که متنجس شده باشد از ملبوسات و غیره شخصی
بدهند تا آب بکشند یا زوجه اش یا طفل ممیز که بشوید بعد از آن آنها بیاورند
که شستیم و پاک کردیم آیا قول ایشان مسموع است یا نه جواب چنانچه علم
از قول ایشان حاصل شود بحصول تطهیر معتبر شرعا بی اشکال حتی نسبت بطفل
و هر گاه علم حاصل نشود و وکیل نموده اشخاص مذکوره هر گاه بالغ و عاقل
باشند توکیل ایشان صحیح و کلام شان مسموع و الا فلا هو العالم
سؤال غسالۀ هر نجاست غیر از آب استنجا طاهر است یا نه جواب غساله

آب استنجا از مخرجین پاکست در صورت تحقق شرایط واحوط آنست که
احتمال نجاست را مرعی دارند اگرچه معفو عنه است بالاتفاق واما سایر غسالات
هرگاه کر باشد پاك وهرگاه قلیل باشد احوط نجاست بلکه اقرب است در صورت
انفصال از محل هو العالم س لباسی که رنگ داشته باشد ونجاست باو رسد
آیا تطهیر آن باب قلیل یا کثیر یا جاری آنقدر بشویند که دیگر رنگ پس ندهد
پاکست یا نه ج واجب نیست ازاله نجاست مطلقا بلکه آنچه واجبست ازاله عین
هو العالم س شستن درون در وضو یا آب بزیر موی که پوست در زیر آن
نمایانست واجبست یا نه وهمچنین در دست ج غسل وجه آنچه واجبست
رسانیدن آبست بآنچه ظاهر است وموقوف نباشد بتخلیل شعر واجب نیست
شستن آن هو الله العالم س مثلا کسی معتاد باین بوده که همیشه
در آخر نمازهای چهار رکعتی تسبیحات میخواند سهوا الحمد خواند در اثنای حمد
یادش آمد آیا میبایست من حیث تسبیحات را بجا آورد یا عود بر تسبیحات کند یا بحمد اکتفا کند
ج هرگاه خواند حمد بقصد شدت غفلت از عادات شده اکتفا میتوان نمود
وهرگاه نباشد مثلا آنکه حمد بزبان جاری شد بی اختیار ومن غیر شعور بآن حمد
اکتفا نمیشود وبتخییر میان آن وتسبیحات باقیست بنابر احوط در این صورت
قرائت حمد باشد را اعاده او هو العالم سؤال کسی بسم الله را فصل کرد بحمد

وحمد را

وحمد از مخرج ادا نشد وخواهد که تدارك کند آیا از بسم الله بخواند یا کلمه حمد را
مجدد آنها بخواند کسیکه حقیقت مسئله نمیدانست از بسم الله بقصد وجوب
یا بقصد اینکه هر کدام که باشد بآن حساب شود آیا نماز صحیح است یا نه ج جائز
از الحمد بگیرد در صورت معروضه مجزی خواهد بود وحاجت بابتدا بسم الله
نیست بلکه احوط ترکست هرگاه مخل بموالات باشد واما در صورت عدم اخلال
مانعی بنظر نمیرسد مجملا هرگاه شخص معروض جانب احتیاط را منظور دارد یا آنکه اعاده
نماید خوبست وهو العالم س کسیکه وضو قبل از دخول وقت فریضه ساخته بنیت
وجوب بخیال اینکه آدم هروقت که وضو بگیرد وهمچنین در غسل آیا با چنین
وضو وغسل نماز میتوان کرد خواه ادا وخواه قضا ج احتمال قوی در صحت
این وضو وغسل میرود ولیکن احتیاط تاکید در عدم اعتماد بر هر دو می باشد والله العالم
سؤال آیا دست برداشتن در حالت تکبیره واجب میدانند یا نه وهمچنین تکبیر
قبل از رکوع را هم بعضی علما این هر دو را واجب میدانند بلکه جلسه استراحت را
هم ایشان فرموده در این مسئله چه چیز است ج دست برداشتن از هیچ تکبیرات
نماز واجب نیست ولیکن احوط است وهمچنین جلسه استراحت واجب نیست ولیکن
احوط است هو العالم س واجب تشهد را بیان فرمایند ج تشهد شهادتین است
وصلوات بر محمد وآل محمد وجلوس وطمانینه در جلوس در صورت شهادتان واجبه

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وغیر این
صورت جایز نیست واحوط در صلوات این صورت میباشد اللهم صل علی محمد
وآل محمد وهرگاه بگوید مجزی خواهد بود وبالجمله صورت مذکوره واجب نیست
[illegible] در سهو یا عمدا است ج اول واجب مسح سر مجرد
صد قاسم است عرضا وطولا وهمچنین در رجلین عرضا واما طولا استیعاب واجبست
تا کعبین واحوط تمام کعبین است در مسح والله هو العالم سؤال عدالت در کسیکه نماز
میت میکذارد یعنی پیش نماز شرطست عادل باشد یا نه جواب بلی شرطست والعلم
چیزیکه روی پا پوشیده شد وساق نداشته باشد مثل جوراب زنانه وکیوه
وغیر آن نماز در آن صحیح است یا نه احوط اعاده نمودن نماز وقتا وخارجا در صورت
ارتکاب والله هو العالم جواب کسیکه شروع کرده بنماز خسوف یا کسوف نماز را تمام کرد ترکست صح
قبل از انجلا آیا نماز را اعاده کردن واجبست یا سنت ج اعاده کردن سنت است
نه واجب والله هو العالم س در چهار فرسخی یا زیاده بر آن هشت فرسخ چه میفرمائید
آیا نماز را قصر میکند یا نه جواب هرگاه کسی سیر چهار فرسخی یا بیشتر یا هشت
نسیه باشد رفتن وبرگشتن متصل باشد ومجموع یا هشت بیشتر باشد نماز
را قصر کند وهرگاه سیر منقطع شد مثل آنکه یکروز یا بیشتر زیاده نشد در چهار
فرسخی یا بیشتر تا هشت نشد نماز احوط آنست که جمع نماید میان قصر واتمام والعلم

سؤال کسی در جائی قصد اقامه کرده باشد وبعد از آن چنان اتفاق افتاد
که بدو فرسخی یا سه فرسخی بعنوان سیاحت یا تجارت سفر کرد عرض این است
کسبا زبر کرد د آیا قصد اقامه او بر هم میخورد یا نه ج چنانچه این معنی بعضی ندرت
اتفاق افتد دائما اتمام بر او واجب وحضر باقی مر او نمیرسد وهو العالم
سؤال اگر کسی خواهد که چهار فرسخی سفر کند اما میداند که ده روز زیاده در آن
انجا ماندنی است آیا این سفر را اطلاق میکنند یا نه ودر صورتیکه نمیداند
در چند روز نفقه کرده ده روز یا کمتر در اینجا ماندنی است یا نه باز این را سفر اطلاق
میکنند یا نه ج در صورتیکه هرگاه جمع ما بین قصر واتمام نماید احوطست والله
سبحانه سؤال مثلا کسی در سفر باشد ووقت نماز داخل شود ونماز نه گذارد
با وجود وسعت وقت وتا داخل وطن شد هنوز وقت باقی بود آیا در اینوقت
نماز قصر را میکند یا اتمام وهمچنین عکس آن چه طریق است جواب در اینصورتین
احوط نیز جمع بین الاتمام والقصر است والعلم س سجده سهو یا نماز احتیاط یا
اجزاء نماز جزء نماز است یا نه جواب اما نماز احتیاط اقرب عدم جزء نیت
ولیکن احوط مراعات جزء نیت است بناء علیه فصل بنا هی وهنافی مذهب
ومسارعت واتیان نماید وهمچنین اولی نیست که این احتیاط را بر نیت تتمه
بعمل آورد والله هو العالم سؤال در ولایتی که مجتهد نباشد در طی دعاوی

ورفع منازعات ومخاصمات در صورتی که رفتن خدمت مجتهد ممکن نبوده یا بعسر
باشد چه کنند و بقول فردوس مکان میرزا ابو القاسم در سؤال وجواب که فرموده
اند هرگاه بالفعل تقلید نکرده باشد لیکن از کتب فقهاء اقرب بحق را تواند پیدا کرد
هم باو رجوع کنند چه صورت دارد ج قضا وقطع دعاوی بین العباد حکم از وظیفه
مجتهد جامع الشرایط است چنانچه غیر او حکمی کند حکمش اعتبار ندارد و دعوای قطع نشود
خواه آنکه متمکن از مجتهد بوده و خواه آنکه نبوده و آنچه جناب میرزای مرحوم فرموده اند
داعی راضی باو نیست و هم چنین میدانم مخالف فتوای محققین امامیه است و شایبه
او بنیان رجوعست ولیکن داعی را عرض نیست که در مقابل ایشان حرفی زده باشم
والله هو العالم س صیغه متعه را بزبان فارسی و عربی چه طریق باید ادا نمود
عبارت او را هم بعربی و فارسی بیان فرمائید که عند الحاجت بهمان لفظ بدون
کم و زیاد ادا شود و بفرمائید که با امکان عربی هرچند بتعلیم باشد جایز است
اجرای صیغه فارسی یا آنکه از عجز از عربی بفارسی جایز است والا فلا ج صیغه
عربیه زن بگوید بمرد متعتک نفسی فی المدة المعلومة بالمهر المعلوم و مرد بگوید قبلت
و هرگاه زن بلفظ زوجت بگوید بجهة مذکوره مجزی خواهد بود و اما صیغه فارسیه
هر عبارتی است که اصل مطلب را ادا کند و صیغه خاصه ندارد و در صورت تمکن
از عربی اشکال دارد و فارسی را احوط آنست که ترک کند و انعقاد در صورت تعذر

عربی فارسی مجزی میباشد و توکیل واجب نیست س امر بمعروف و نهی از منکر بر
هر مکلف بالغ و عاقل از مسلمین واجبست یا بر بعضی دون بعضی و بعضی کسان مستقل
از بابت امر معروف بعضی میگویند و بعضی آن شخص را میشنوند و او را ندامت میکنند
و میگویند تو را نسبت با مر معروف کردن دیگران آیا تکلیف از این شخص مذکور ساقط
میشود یا نه جواب امر بمعروف واجبست بر هر مکلفی با تحقق شرایط خواه مرد و خواه زن
و خواه خنثی و خواه سیاه و خواه سفید و خواه گفتن مردم بمجرد مذمت منشأ سقوط
نمیشود والله هو العالم سؤال از مرثیه خوانان که وقایع جناب سید الشهدا علیه السلام و سایر
شهدای کربلای معلی را میخوانند و چیزهای چند نسبت بایشان میدهند
که در کتابهای علما پیدا نمیشود آیا امر معروف کردن بانها لازم است یا نه
ج در صورت عدم ظهور کذب ایشان و احتمال الصدق لازم نیست نهی منکر
ایشان والله هو العالم س گوش دادن باین کلمات گذشته و گریه کردن باین کلمات
گذشته و گریه کردن باین کلمات چه صورت دارد ج مانعی نیست از گوش
کردن آنچه میگویند در صورت عدم معلومیت کذب والله هو العالم س هرگاه کسی
از حرام جنب شود در حین مقاربت عرق میکند مذکور نجس است یا هر قدر که
غسل نکرده است نجس خواهد بود ج عرق جنب از حرام اقرب عدم نجاست است
و احوط نجاست والله هو العالم س هرگاه شراب را بجوشانند و عرقش را بگیرند و

واین عرق مذکور مسکر است یا در اینصورت این عرق نجس است یا پاک کیفیت
را بیان فرمائید تا رفع نزاع کرده شود ج عرق مذکور نجس است هو العالم س شهادت
دادن در پیش غیر مجتهد چه صورت دارد ج چنانچه منشا اعانت بر اثم شود
جایز نیست والا حرمت او بمجرد ادا محل تامل است بلکه ظاهر جواز است هو العالم
س سادات چند هستند که به بیحیائی و بیتمیزی خمس از مردم میگیرند بنوعی که اگر
اتمخص ندهد باو بیحرمتی میکنند و عند الناس سادات معلوم نیست آیا اتمخص که
خمس میدهد بری الذمه میشود یا نه ج عدالت شرط نیست در مستحق خمس و لیکن
بنیت قربت شرط است چرا که خمس از جمله عبادات است والله هو العالم س هرگاه زید
ملکی را بعمرو فروخته ببیع شرط و تنخواه را گرفته و خود بسفر رفته و مدت منقضی
را هم وکیل مطلق نموده والحال وکیل میتواند خود را خلع نماید یا نه ج هرگاه مدت
منقضی شده و شرط بعمل نیامده بیع لازم و مال مال مشتری و وکیل تسلطی ندارد
و از وکالت در این باب عزل شده مگر آنکه وکیل در فسخ باشد و مشتری راضی
بفسخ باشد و وکیل میتواند که خود را عزل نماید چرا که وکالت از عقود جایز
میباشد والله هو العالم س کسیکه املاک خریده باشد و بعد از آن قدری
از آن املاک که خریده است معلوم میشود که دزدی بوده است و معلوم نمیشود
که آن دزدی و غصب تمام املاک است حکم هر یک را بیان فرمایند ج شده نیست

که بیع [illegible]

که بیع نسبت بآن مسروق لازم نیست اگر وقف باشد فاسد خواهد بود والا فضولی
میباشد موقوف بر اجازه مالک است والله هو العالم س زید یا رحیم ملک در پهلوی
رودخانه بزرگ بهم رسانیده ایام در آن وقت و ملک خود نموده و بعد از چندی آب
ملک مذکور را از بیخ کنده رودخانه شده اثری از ملک باقی نمانده و نه آن درخت
و نه آن ریشه درخت و بعد چندی رودخانه مذکور را از آنجا میکرده گل و خاک
پر کرده در پهلوی همان ملک مذکور سابق که آب برده است حالا هر که تصرف
بکند مال او است و یا صاحب ملک سابق میتواند مانع بشود ج چنانچه اعیان
ملک او ظاهر شود کسی دیگر را نمیرسد که متصرف در آن نماید والله هو العالم
سؤال زید در مرض مبتلا شده و بهمان مرض مرد و جمیع مخلفات خود را بیکی
از علاقه خود هبه کرده و سایر ورثه را محروم کرده آیا چنین هبه صحیح است یا نه
جواب چنانچه هبه در مرض موت اتفاق افتاده و مجانا بوده یعنی عوض مشروط
بقدر موهوب یا زیاده تر بوده فی الشکال الصحیح و هرگاه عوض بسیار کم بوده مسئله
محل خلاف است در میان علما بعضی صحیح میدانند و جناب مرحوم والد اعلی الله
مقامه این قول را اختیار فرموده بودند هر کس تقلید ایشان را در این مسئله نموده
اجمالا یا تفصیلا عمل بقول ایشان والا مرافعات احتیاط اولیست و حاکم [illegible] در این
مسئله هنوز قول محققی نمیباشد والله هو العالم سؤال هرگاه حق نزد متقدیان ثابت

شود بسبب شهادت عدلین مقلد میتواند حکم نماید بثبوت آن حکم یا نه ج غیر حاکم
شرع یعنی مجتهد جامع الشرایط خواه مقلد و خواه غیر مقلد نمیتواند حکم نماید و قسم
بدهد در حقوق خواه مالیه والله هو العالم س وصیت در مرض موت از ثلث مال
موصی محسوبست یا از اصل مال او مخرج میشود ج مسئله محل خلافست و
اشکالست والحال داعی را در آن رأیی و قولی نمیباشد پس مراعات احتیاط بسیار بجا
خواهد بود والله هو العالم س هرگاه زید وصیت کند که صوم و صلوة و ختم قرآن
از عمر کرده ام و نکرده ام یا آنکه کرده باشد لیکن مقلد مجتهد نبوده در اینصورت آنهم
از جمله دیون زید است که از اصل مال بیرون رود یا نه ج در صورت اول عمل
را بجا نیاورده باشد به اشکال امری که بذمه او تعلق گرفته باشد از دیون مخرج
از اصل است و احتیاط را در صورت ثانیه مرعی دارد بنیابت بجا می باشد هو العالم
س هرگاه شخصی مقلد زید باشد و احکام شرعی را تقلید ابرم بگوید لیکن نگوید
که رأی زید است جایز است یا نه ج بعضی علما منع میفرمایند از آن و این احوط است
هو العالم س هرگاه زید علم بهم رساند بمردن عمرو و علم قطعی دارد که در ولایت کسی
بهم خواهد رسید که براو نماز کند آیا بمجرد این علم وجوب از آن ساقط میشود یا آنکه
حصول آن واجبست بر جنازه زید یا نه ج محل تامل است فی اشکال ساقط میشود
وجوب در صورت علم بعمل آوردن هو العالم س اگر کسی مقلد مجتهدی باشد خال

جوزند

و بعد از وفات آن افضل یا اورع بهم رسد عدول جایز است یا واجب ج احوط
عدولست و اما حکم بسطی بوجوب محل اشکالست س هرگاه کسی در امر آیات وقف
کند و اعراب امر بعضی از آیات را نداند چه صورت دارد ج ظاهر آنست که نمازش
صحیح است ولیکن احوط ترک آن میباشد هو العالم س بر فرض وجوب و یا جواز
باقی بودن در تقلید مجتهدی که حالا فوت شده کند در بعضی مسائل عدول کرده
تقلید مجتهد حی بکند یا نه ج در اینجا تقلید مجتهد حی که فوت نموده نمیتواند
که عدول بمساوی یا غیر معلوم الترجیح بعد الفحص نماید والله هو العالم س کسی
که در ولایت بعیده بوده است و ابتدا بمجتهد عصر و ملای فاضل نرسیده یا مسئله
صوم و صلوة و سایر خود را از ملایی که همین قوه عبارت و اکثر عبارات کتاب
شرایع و بعضی مطالب شرح لمعه را فهمیده باشد سؤال نماید و ملای مذکور جواب
مسائل واجبی را از کتاب مجتهد حی گوید که فلان مجتهد چنین فرموده یا آنکه خود
نفسا رأی مجتهد را از آن استنباط الهام را سم جواب گوید و هم خود دعوای صلحی
را بطور صالحه حل نماید و اگر رأی مجتهد نکرده باشد جواب گوید که در کتاب
شرایع مثلا چنین نوشته اند احتمال دارد که نفس الامر باشد و یا نباشد و نقل قسم
را هم بدهد و مدعا علیه الطها نماید خود ایشان را مثل یکدیگر قسم بدهند یا این
طور ملای نسق بوده مؤاخذه میشود یا نه و باید در ولایت بعیده چه طور رفتار

نماید وکار مسلمانان را از دعوای ونزاع خلاص نماید ج بسم الله تعالی باید که
مسائل دینیه فرعیه معلوم از برای شخص مکلف خواه ذکر وخواه انثی وخواه خنثی
یا مجتهد باشد یا مقلد مجتهد جامع الشرایط باشد تا آنکه اعمال او از عبادات و
معاملات صحیح باشد وهرگاه چنین نباشد ورفتار نماید در فروع دین بغیر علم
اجتهاد وتقلید صحت اعمالش از عبادات محل اشکال است بلکه در صورت
تقصیر در تحصیل امور مشروعه وعدم موافقت اعمالش بواقع را حکم بفساد عباداتش
میشود بلکه معاملاتهم بلی هرگاه متمکن از تقلید مجتهد جامع الشرایط نباشد
بجمیع وجهی از وجوه شرعیه مثل مشافهه ومکاتبه واخبار وما شند آن باید عمل نماید
بفتوای اورع از اموات وهرگاه آن هم ممکن نباشد یا متعسر باشد مخیر خواهد بود
در تقلید هر یک از مجتهدین اموات واما فساد مرافعه بین الناس وقطع دعاوی
ایشان پس غیر مجتهد جامع الشرایط کسی دیگر نمیتواند که بکند وهرگاه بکند
فاسق خواهد بود ودعوای قطع نخواهد شد خواه در ولایت بعیده وخواه در
غیر آن واما صلح بوجه معتبر شرعا شرط نیست در آن اجتهاد مقلد هم میتواند
که صلح بدهد هرگاه عارف باشد بمسائل آن وتمیز بدهد بلی مورد بیشتر بسیار هم بد است
والله هو العالم سوال مال حضرت صاحب الامر ع را که رد اداء آن اذن مجتهد
هم لازم است ودست اکثر صاحبان حق بمجتهد نمیرسد که اذن نماید یا اذن عام

بالاهل

بالاهالی ولایت بعیده میدهند که بشید رفتیم بدهید یا نه ج این روسیاه درگاه اله
جل جلاله اذن عام نمیدهم ولیکن هرگاه شخصی متدینی عارف بمسئله باشد او را وکیل
در صرف میکنم والله هو العالم سوال شخصی دختر سه ساله را صیغه تمتع خواند
بمدتی که در آن مدت قابل تمتع نباشد مثلا سه ساله را دو سال یا سه سال زمان
قرار دهد آیا این عقد مادر آن دختر بآن عاقد حلال میباشد یا نه ج حلیت محل
تامل است ومراعات احتیاط بسیار بجا خواهد بود والله هو العالم س چه میفرمایند
که عوام الناس از تحقیق دلیل اصول دین عاجز میباشند واما بر ایشان یقین است که وجود
جناب باری برحق است وپیغمبر بودن برحق است وامامان برحقند ومعاد بودن
ودر روز حشر ونشر برحق است آیا بهمین دانستن اکتفا میشود یا نه جواب دانستن
اینچه مذکور نموده باد انستن صفات ثبوتیه وسلبیه وتصدیق بجمیع ما جاء به النبی
ص اجمالا اکتفا میشود وایمان شخص بمعنی خروج از حد کفر وبعد از این برای
شخص لازم است تحصیل اطاعت [illegible] کم [illegible] در علم اخلاق ودر علم فقه است
نماید والله هو العالم س چه میفرمایند در باب کسیکه درد مهر او حق باشد اگر
تنخواه بگیرد الحال آیا خمس بر او لازم است یا نه ج چنانچه در نزد مردم محسوب باشد
برفع مردم میباشد [illegible] یا [illegible] معامله منقضی [illegible] خمس بر او واجب نیست
وهرگاه وعده نرسیده باشد ومیتواند که بگیرد بر او واجب نیست [illegible] بدهد

وخمس وهرگاه نتوانسته باشد که بگیرد بلد واجب نیست از جنس دیگر بدهد وخمس دادن
واجب نمیشود چرا که خمس بعین تعلق میگیرد والله هو العالم س چه میفرمایند در لفظی
که وعظ مینماید و علم الناس را نگفتن آن و لفظ یقینی شان حاصل میشود و اما یا دیگر
نمیتواند بهمان نگفتن و لفظ اکتفا میشود یا نه ج هرگاه یقین قطع حاصل شود اکتفا
میتوان کرد ولیکن از عرف یکنفر علم بهم میرسد امر عرفی است والله هو العالم سوال
شخصی اول ماه مبارک رمضان را قصد نمود که فردا روزه خواهم گرفت و اما عمدا
نیت روزه نکرد و در روز شرا روزه گرفت آیا این روزه چه صورت دارد ج همین
که بنا داشته که فردا را روزه گیرد قربة الی الله کافیست هو العالم سؤال شخصی زارع
در ماه مبارک رمضان مشغول تخم کردن و مشغول زمین کردن می باشد و هوا هم گرم
میباشد اگر دهنش را می بندد تشنگی و حرارت زور می آورد و اگر نمی بندد گرد و غبار
بر حلقش می نشیند آیا روزه اش چه صورت دارد جواب هیچ کسی نمیداند اگر فلان عمل
مبطل روزه اش میباشد ترک او نمیاید صورت وجوب صوم والله هو العالم س
فقرا که سؤال میکنند بدون تحقیق مسئله ایشان از قبیل اصول دین و فروع دین و تحکیات
و مسعوبات زکوة و خمس و تصدق دادن جائز میباشد یا نه ج در خمس شرط نیست
عدالت همینکه سیادت و فقر شخص ثابت شد شرعا خمس میتوان داد باو خواه عادل
باشد و خواه عادل نباشد مادامی که محکوم بایمان باشد شرعا اما زکوة احوط است

هرگاه

هرگاه بنا لاع بدهند آنکه عادل نباشد و اما بسیاری از تصدقات بغیر عادل میتوان داد
والله هو العالم س آدم خنثی مادر زاد بر زنها محرم است یا نه ج احوط اجتناب است والله
هو العالم س آب کر یا آب غیر از حمام که کر باشد بدبو و متعفن شود غسل و وضو میتوان
کرد یا نه ج هرگاه تعفن و بدبوئی از استیلای عین نجاست بر آب کر باشد آب نجس
و وضو و غسل و تطهیر از آن جائز نیست و هرگاه استیلای عین ظاهر یا مشتبه باشد عیبی
نهی ندارد ولیکن اولی اجتناب است والله العالم س مرد چهار نفر زن بنده دختر خدمت بنده را میکنند
بالفعل و بکنیزی نامحرمند نه کنیز و نه بنده زاده اند رغبت نداریم که اینها را صیغه بکنیم هرگاه
بیوکرهای خود مثل هر چهار بکنیزی محرم میشوند یا نه ج جناب والده هو العالم الله
مقام رضا نمیدانستند چنانچه از جناب والد رحمه مسائل تقلید نمود [illegible] عیبی ندارد
و اما حقیر احوط ترک میدانم مگر آنکه [illegible] اطفال نباشد
هو العالم س چه فتوی [illegible] در جیب باشد نماز صحیح است یا نه
جواب اقرب آنست که نماز صحیح در صورت [illegible] ولیکن احوط
اجتناب است خصوصا [illegible] والله هو العالم س بموقف عرض مقدس عالی مسائله
چه میفرمایند خصوص شخصی نماز مغرب را خوانده در نماز عشا در بین سه چهار
یقین کرد که نماز مغرب را دو رکعت کرده و شک در سه چهار نماز عشا چه صورت
دارد ج مسئله احتیاج به تامل دارد و چنانچه در نماز عشا بنا بر اکثر گذارده و تمام

وتمام کند و نماز احتیاط بجا آورد و بعد هر دو نماز را اعاده کند شاید اولی باشد
والله هو العالم س شخصی اول ماه چه میفرمایید نیت نماز خواندن شده لیکن شك
نموده ام در ظهر یا عصر یا مغرب یا عشا یا صبح بفرمایید که چه نموده عمل نمایم ج احوط
آنست که بنا را بر اول گذارد پس بنا را بر فرض اول که ظهر میگذارد و نماز را تمام میکند
و بعد اعاده نماز دیگر را میکند والله هو العالم سؤال دیگر بعد از فراغ نماز یقین دارم
که یک رکعت احتیاط باید بکنم ام جزو یا فعلی باید هم بجا آورم شك در تقدیم و تأخیر
دارم چکنم جواب احوط تقدیم اتیان بجزو منسی میباشد و بعد از نماز احتیاط والله هو العالم
سؤال هفت تکبیر واجب و مستحب دیگر خوانده ام نهایت اینکه تکبیرة الاحرام
وجوب را بجهت از تکبیرات سبعه نموده ام چه چاره کنم ج هرگاه معین نکرده که
کدام تکبیر تکبیرة الاحرام است نماز او باطل است والله هو العالم سؤال دیگر نماز ظهر
و عصر را گذارده ام یقینم شد که از ظهر و عصر یک رکعت را نکرده ام و نمیدانم که رکعت ناقص
از کدام نماز است چاره بفرمایید ج احتیاط اعاده صلوتین است هما والله هو العالم
سؤال دیگر هرگاه کسی ملك یا باغ خود را بقانون شرعی بلا نقص و عیب بیع شرط کرده
و بیع لزوم یافته چنانچه ملك یا باغ قیمته ده تومان است و بمبلغ پنج تومان پنج هزار
یا بغیر مصالحه آیا میرسد مشتری را که قیمت دو برابر بمن تصرف نماید ارشاد فرمایید
ج هرگاه معامله مفروضه جامع الشرایط صحت بوده و هر دو عالم بقیمت واقعی بوده باشند

معامله

معامله صحیح و معتبر است والله هو العالم س هرگاه علم کامل بهم رسانیم که شخص
صاحب وجهی حسن عقیده ندارد یا مال الکان و زارعین او میتوانند نان او را بخورند
جواب نان مزبور حلال است در صورتی که نداند بعینه مخلوط بحق غیر است خواه خمس
و خواه زکوة والله هو العالم س دیگر هرگاه شخصی را زمینی بوده باشد و شاه زاده
زمین این کس را قلعه اطراف بلده ساخته و هم شارع عام نموده و آب از جهت حمام
در میان ملك مغصوب می برند و مردم میان زمین هم وضو میسازند در این صورت
غسل در آن حمام و وضو چه صورت دارد جواب تصرف در ملك مغصوب هم آب
بدون عذر شرعی در حکم بعینه و وضو و غسل خالی از اشکال نیست خصوص مادر بعضی
صور والله هو العالم س هرگاه شخصی از معقدین شاه زاده دستی دارد از قبیل
ملاباشی و غیره و هرگاه ایلام آنحضرت دست خود را میمان طلبه فرمایند با عنایات
و لطفها از هر احتشام که بدست خود نمایند آیا مقبول است یا نه جواب مال الحضرات
حلال است هرگاه نداند که حرمت از بعینه و لیکن توقع از مال او اولی خصوصاً [illegible] علم
ضرورت والله هو العالم س هرگاه شخصی کاسبیست و کاسبی این شخص [illegible]
آن نمیکند و عیال او و اطفال آن کس محتاج و آرزومند بعضی ماکولات میرسد
آن کس را از وجوه زکوة تا از خجالت عیال بری میشود ج هرگاه شخص شود که قادر بر مؤنه
سنه خود نباشد و غیر تمام و جامع الشرایط استحقاق زکوة باشد میرسد او را اینکه

ذکوة بگیرد اگرچه فی الجمله کاسبی داشته باشد و انکار وفا بحرج بعض از سال کند والله
هو العالم سؤال هرگاه معتقدی طفلی را تعلیم و تادیب سرمشق سیاق سوای تعلیم کلام الله
نموده میرسد معتقد که حق تعلیم و تادیب خود را از والدین طفل یا از طفل بگیرد بعد از
آنکه بسرحد بلوغ رسیده باشد یا نه جواب هرگاه شخصی را والدین اجیر نمایند یا با او
مصالحه کنند در اعمال مذکوره صحیح خواهد بود والله هو العالم س هرگاه شخصی را
که سرقت نموده باشد و یکی متضرر از سرقت بوده باشد چنانچه آنکس متضرر از سرقت
بر او سرقت شده باشد رسیده است هرگاه اظهار این معنی نماید شخص صاحب مال
بشاهزاده عرض عرض مینماید در ساعت استماع شاهزاده عرض حکم بقتل سارق
مینماید آیا در صورت قتل میرسد که چنین عملی را بصاحب مال برساند یا اینکه تنها
دارد یا بگذارد در وقت شایسته یا هرگاه صاحب مال را خبر نرساند آیا مشغول ذمه
هست یا نه بیان فرمایند جواب در صورتیکه علم بقتل سارق دارد حرام است که بروز
بدهد ولیکن سارق داده رخفیه نفوا از منکر نماید والله هو العالم سؤال هرگاه کسی
سید یا عامی باشد مظلمه معینی برو باشد در حیات خود یا بعد از موت خود و صاحب
آن را نشناسد که بدهد آیا وصیت کند که معین به هر بعامی بدهد و سید هرد و آیا وصی
میتواند داد یا نه جواب هرگاه مال الغیر در ذمه کسی باشد خواه سید و خواه عامی بر او
لازم است که سعی نماید که بصاحبش رساند و هرگاه صاحب را نشناسد و ممکن نباشد
او را معرفت صاحب و آنمال غیر مخلوط و ممزوج بمال خود شده باشد و یکسال التفحص

ویز

تعریف و جستجوی صاحب نموده و نرسیده باو میتواند که او را از جانب صاحبش تصدق
نماید در صورتیکه بعد متضرر و کنار رد که هرگاه صاحبش پیدا شود باو بدهد و احتیاط
آنست که او را بغیر سید بدهد و شرطست در او عدالت ولیکن دادن بعادل شاید اولی باشد
و وصی او هم این حکم دارد والله هو العالم سؤال هرگاه شخصی وصیت کند که از بابت احتیاط
فلان مبلغ را از ثلث مال من رد مظالم بدهد باز نبیند و غذای هرد و صیتواند داد یا نه
جواب بنابر احتیاط در این صورت دادن بشخص عامی بهتر باشد والله هو العالم س
در وقت میت یا متعلقان میت خیر خیرات و آب و طعامی که میدهند بمردم و فقرا و غیرهم
دارد از میت و کسیکه میخورد لازم است تحقیق کند که مبادا مال الصغیر باشد
یا از مال موضعی داخل بر صحت باید کرد و تفحص ضرر نیست جواب بلی هرگاه قطعا
داشته باشد بفساد فعل ایشان و اینکه از مال الصغیر میدهند بوجه شرعی احتیاط
امر لطست اگرچه لازم است والله هو العالم سؤال شخصی با اهل و عیال خود
از جهت امر واجبی تعلم دادن یا نهی از معصیت میل انکه با ان فائده نمیکند بجهت
تعمق و غضب و هرگاه او صبر بگوید از سگ کمتر یا ای ملعون آیا معصیت کرده و از
عدالت بیرون میرود یا نه جواب هرگاه توبه کند چون عمدا میگوید چه ضرر دارد
در اینکه اهل معصیت در حقیقت از سگ کمتر میباشند گویا محل تامل باشد
اگرچه مؤمن را باین نحو خطاب کردن از انصاف بعید است در بعضی صور بعض

بهر تقدیر در گفتن این لفظ ابتغام معصیتی بنظر نمیرسد حضوصا هر گاه قصد معانی حقیقی
نداشته باشد چنانچه ظاهر است و شخص از عدالت بیرون نمیرود ولیکن ترک شاید
اولی باشد سوال کسانی که مد الله بولایتی که مجتهد در آنجا است که امر دین خود را درست
کنند و هر گاه بولایت خود بگردند صورت اقامت میکنند آنجا هستند و امر دین ایشان
تحصیل نمیشود و تفاوت این ولایت با ولایت دیگر آنست که ارحام ایشان و دوست
و رفقا در آنجا هستند اگر بمانند ترک اینها را باید بکنند و در ولایت غربت توهم میکند
که شاید در این ولایت بمانند بکنند و در این صورت سفر ایشان مباح است یا معصیت
و فائده ایشان در آنجا اینکه امر دین درست میشود واجبست یا نه جواب واجبست
بر هر مکلفی که تحصیل مسائل دینیه خود را از اصول دین و فروع دین خواه در ولایت
غربت باشد مستلزم ترک خویش و قوم و غیره از لذت دنیوی باشد و هر گاه ترک
واجب نماید و سفر کند آن سفر معصیت و ... شاید نگاه الدنیا باشد و مستحق
عذاب و محروم از ثواب جسیم بود و نماز در سفری که مستلزم آن ترک باشد
قصر بودن محل اشکال است و احتیاط مراعات میانه قصر و اتمام است و شکی نیست
که چنین شخصی تارک سفها در امر آخرت خواهد بود پس باید که از شیطان اغوا نخورد
و تحصیل مسائل کند والله العالم سوال هر گاه کسی از حال خود و وضع بلد خود
چنین میداند که هر گاه صد سال هم عمر داشته باشد غیر از اکل دنیا و هوا و هوس

طبعش

طبعش میل بطاعت ندارد و هر گاه از برای تحصیل ترک آن بلد بکند برود ببلدی
که ممکن است تحصیل امر دین خود را درست کند کدام داخل در مستوفی است و چه
ثواب دارد و واجبست او را که این کار را بکند یا مستحب است ج هر گاه شخصی ترک
لذائذ دنیویه نماید و مهاجرت از بلد خود نماید از برای تحصیل معارف ثابته و احکام
الهیه البته از جمله الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و رفیع الدرجه در دنیا
و آخرت و عزیز دارین در جمیع حیثیات سعادتین نشأتین خواهد بود و ثواب بسیار
عظیم و فوز او بجنات نعیم است و بر هر کس فی الجمله خوف الهی و تصدیق باحکام حضرت
رسالت پناهی و ائمه طاهرین ع در دل او باشد لازم است بقدر بالقوة سعی
نماید در تحصیل امور متعلق دینیه بلکه اصل وجوب اینهمه بر هر مکلفی لازم است
بجملا از خداوند عالم جل جلاله باید ترسید و مشغول بتحصیل مسائل دینیه باشد
و اگر عقل را قوتی باشد البته جمیع اوقات خود را که قدر قلیلی است صرف در
امر مذکور خواهد نمود والله هو العالم سوال شخصی را که عقاید اینست
که الیوم او را تکلیفی هست در عبادات و حجت خدا غائب است و دست ما باو نمیرسد
و در میان شیعیان مشهور است که زید مجتهد است و اعلم علما است و عادل است
و متقی و صاحب ورع و خلق امور دین خود را از او اخذ میکنند و او را بر همه ترجیح
میدهند او نمیتواند بخود قرار بدهد تقلید کردن او را واجبست یا باید خودش

بر ود و معاشرت کند او را عادل بشناسد بعد تقلید کند از روی بصیرت یا
تکلیف دیگری دارد و هرگاه علم یا ظن بهم رسد بخلق یا معاشرت دست دهد کافیست
یا نه و هرگاه علم و ظن دست ندهد چه کند جواب بر هر شخص لازم است که جمیع
امور دین خود را از راه بصیرت و یقین تحصیل نماید خواه اصول و خواه فروع و خواه
اجتهاد و خواه تقلید پس هر کس که میخواهد تقلید کند باید که علم قطعی بهم رساند
که جناب اقدس الهی تقلید را نسبت باو جایز کرده و الا مستدین نخواهد بود و ادله
بر اصل جواز تقلید از عقل و نقل بسیار است و این محل گنجایش او ندارد و ما تحریر
ادله بر این مطلب نموده ام در کتاب مفاتیح الاصول هرگاه کسی خواهد باو رجوع
نماید و بعد از آن لازم است که بداند که از کی تقلید نماید و بچه نحو شناخته میشود
آن شخص و در چه مسئله باید تقلید کرد و دیگر مطالب را تفصیلا در کتاب مذکور
و اجمالا در اول کتاب اصلاح ایراد نموده ام هر که خواهد اطلاع یابد رجوع نماید
باین دو کتاب والله هو العالم سؤال زید زنی را صیغه نمود ده سال کرده حال
بعد از مدتی که تصرف شده او را بیاد آمده و قطع نفقه و کسوه او را نموده و آن ضعیفه
ادعا میکند که من فهمیدم که ثواب متعه بسیار است قبول کردم و نفهمیدم که نفقه
و کسوه ندارم و الآن راضی نمیشوم حق با کدام است و چه باید کرد جواب هرگاه شرط
نشده نفقه دادن و کسوه دادن لازم نیست بر زوج این هر دو و زوجه هر چه

میخواهد

میخواهد بگوید ولیکن دعوای شده بر عهده و لازم است که مرافعه در نزد مجتهد جامع
الشرایط نمایند تا قطع دعوای بقانون شریعت غرا نماید والله هو العالم سؤال چه
میفرمایند مولای غلام و کنیزی دارد ایشان را بیکدیگر داده ملتفت با هم بوده اند
تصرف نشد و علم باین زوج و زوجه پیوسته کار بود بعد که از نسب یکدیگر
مطلع شدند برادر و خواهر بوده اند حال چه کند و هرگاه اولادی شده باشد چه صورت
دارد جواب حال باید تفریق شود بی تامل فیمابین ایشان و ولد ولد الزنا نخواهد
بود والله هو العالم سؤال کسانی که در بند حلال و حرام نیستند و امور نماز و
سایر واجبات ضروری خود را درست نکرده اند و مداومت به تجارت و کسب
و تحصیل معاش با وجود اینکه بعضی مسائل هر کار تجارت نکنند امر ایشان
میگذرد و نظر بعنایتی که دارند بجناب خدا را چه میگویند جواب شکی در این نیست
کسی که ترک واجبات مینماید و مرتکب محرمات میباشد عاصی میباشد
و عاصی مستحق عذاب و سخط الهی میباشد مگر آنکه توبه کند بقانون شریعت
غرا اگر امید عفو میباشد و بالجمله عاصی روسیاه درگاه الله جل جلاله میباشد
و مترصد عذاب باشد تا عفو چه کند والله هو العالم سؤال الیوم کسی
بتکلیف رسیده یا اسلام آورده و خبر از امور دین یعنی ببصیرت و یقین
ندارد و چیزی هم ندارد باید چه کند جواب تحصیل امور دین یقین واجب و لازم است

و بچیزی مانع نمیشود بایدکه بقدر ضرورت کسب نماید و باقی اوقات را صرف تحصیل
نماید و بقدر ما بالقوة تحصیل واجبات اصولیه و فرعیه نماید والا مواخذ خواهد
بود والله هو العالم سؤال زید و عمر کنیزی بشرکت خریده اند و هر دو او را مقاربت
نموده اند حال چکنند و بکدام حلال میباشد وطی او و هرگاه یکی وطی کرده باشد
بدون اذن شریک دیگر چه حکم دارد جواب هرگاه وطی هر دو با اذن یکدیگر باشد
بر هر دو حلال میباشد و میتوانند هر یک بعد از این تصرف نمایند با شرط و راه
اینست که اذن معتبر شرعا تحصیل نماید و هرگاه بر غیر حرام اتفاق افتاده معلوم
نیست که جاریه محرم ابدی شده باشد بر واطی و احد شریکین حرام است بلکه وطی
جاریه مشترکه بدون اذن شریک دیگر والله هو العالم سؤال شخصی ملکی را
وقف بحضرت امام حسین ع کرده که هر جمعه تعزیه در آن خانه شود و تولیت
آن را بزید و اولاد او گذاشته و بعد نسلا بعد نسل و بعد جنت آرامگاه آقا سید
محسن صغیر را جایع کرده و ملک حال پا برجا است که زید تصرف دارد و حال
بعض از اولاد زید منافی بنظر آمده هر چند اولاد صغیر دارد و یکی از او مؤمنی هم
دارد و میتوانند زید آن بعد تولیت را از خود خلع کند و بصاحب ملک واگذارد
و اینرا طریق معصیت نخواهد بود و سکنای در آن ملک مباح است یا حرام
و تسلط بعد از حقوق بکی نخواهد بود یا هست که هر طبقه میتوانند ادعای تولیت کرد

اگرچه

اگرچه برضای واقف و متولی که زید است جبر شود یا نه جواب متولی وقف میتواند
خود را از تولیت وقف عزل نماید باختیار و بعدم ضرورت و امر تولیت بعد
بحاکم شرع مجتهد جامع الشرایط منتقل میشود مگر آنکه مقتضی تعیین در حین وقف
کسی دیگر باشد والله هو العالم سؤال علم اخلاق بیان نمائید که چه چیز است
تا بدانیم بتحصیل اقتضاء جوابرا بیان فرمائید جواب علم اخلاق علمی است شریف
و منتشر زینت تکلف معنی باشد و نجاه دنیا و آخرت از برای او حاصل میشود هرگاه
مراعات او نماید و بر هر مکلفی لازم است که منجیات و مهلکات خود را بدانند
و اعتقاد در این علم مذکور میشود و مسائل بسیار دارد و این ورقه گنجایش ادا
ندارد و حفظ الله وقت وفا ندارد و لازم است که رجوع نماید باحادیث اهل بیت
ع و کتب علمای امامیه و مجتهدین امامیه در تحصیل مسائل او مجلسی بلیغی بایست
نموده در تحصیل اخلاق و حسنه و ازاله اخلاق سیئه و غریب طائفه رضا الله عنه
نیابت نموده که ده عوام صحابی اخلاق را و حال آنکه از شرع خبر ندارند والله هو العالم
سؤال هرگاه از زید بپرسیم بگوید علم اخلاق را تحصیل کرده ام و عامل بآن هستم بعزات
او اعتماد میشود یا حسن ظن که با او هست جواب گفته شخصی که من علم اخلاق
را تحصیل کرده ام و عامل باو هستم چنانچه و مدعی تزکیه نفس باشد و بلند پروازی
قدح در عدالت او میکند کلام سائل در این سؤال خالی از اجمال نیست امام ع شد

والله هو العالم س هرگاه زنی زن دیگری را عادل بدانند و آن عادل بر ورقی از مجتهد تحصیل
مسائل نماید و باو خبر دهد میتوانند بقول او عمل نمود و امر فروع قرار دهد یا نه جواب میتوان
بعد از ثبوت عدالت مخبر اعتماد بر نقل او در فتوای کرد تقلید در آن جایز است والله
هو العالم سؤال هرگاه در بین نماز زن و سر مجتهد را میدانند لیکن نمیدانند در فتوی مجتهدی
که تقلید کرده کدام است میتوانند عمل خود را برای هر کدام باشد قرار دهد یا نه جواب
احوط آنست که بنا را بر فتوای یکی از مجتهدین گذارد و اتمام نماز کند و بعد اعاده کند
والله هو العالم سؤال هرگاه در بین نماز مسئله رو دهد که در فتوی مجتهد خود را فکر
کند و با مظنه خود که هرگاه نماز را فلان قسم بکنم صحیح است لیکن در آن هیچ مجتهد بر این نظر
ندارد و عمل بآن مظنه بکند نماز را تمام کند صحیح است یا نه و باید اعاده کند یا این مسئله
نیز چه کند جواب هرگاه ملاحظه احتیاطی بنظرش باشد که منافات با اتمام نماز نداشته باشد
احوط آنست که نماز را تمام نماید و احتیاج باعاده نیست و هرگاه احتیاط ممکن نباشد
جایز است قطع کند نماز را در وسعت وقت و مسئله را یاد بگیرد و ثانیا نماز کند
و مظنه اعتباری ندارد و لیکن مراعات ظن خود و اتمام نماز و بعد اعاده آن اولی
و احوط میباشد والله هو العالم سؤال هرگاه دو مسئله و عادل از یک مجتهد خبر دهند
مختلف بآن مسئله میبیند که مخالف یکدیگر خبر میدهند در آن مسئله چکند قول هر دو
باطل دانند یا میتوانند بقول یکی از ایشان عمل کند با احتیاج بآن مسئله جواب هرگاه علم

(از قول)

از قول یکی از ایشان حاصل کند عمل بقول آن کند والا احوط آنست که از راه دیگر
تحصیل فتوای مجتهد کند والله هو العالم سؤال آیا میتوان از مجتهد خبر اعلم بودن
او را از دیگری گرفت هرگاه بگوید من خود را اعلم میدانم باو وثوق باو کفایت میکند
یا آنکه بگوید زید اعلم از من است آنهم کفایت از برای مسئله میکند یا نه جواب
اعتماد بر مجتهد در حق خود اشکال است بلکه ظاهر آنست که نتوان اعتماد نمود لیکن
شهادت او در حق غیر مسموع است والله العالم س هرگاه کسی حسی یا رد
مظالمی بر ذمه او باشد چیزی که وفا بآن کند نداشته باشد بهمه فقرا نامی
میشود میتوانند سید و عامی مسئله دان را به بینند و با ایشان حال خود بگوید
و ایشان گویند وجهی را سر انجام کن ما دست گردان میکنیم و تو را بری الذمه میکنیم
و بکنند بری الذمه میشود یا نه و حضرت امام عم آن موقوفست باذن مجتهد یا نه
جواب هرگاه دست گردان بقانون شریعت غرض اتفاق افتد دور نیست که شخص
بری الذمه میشود والله هو العالم سؤال هرگاه کسی امیر و عهده یا عامل دیوانی
و حال تایب شده لیکن خود را بری الذمه نکرده باذن مجتهد عامل او حلال است
بجهت آنکه اندر خانه ظالم تحصیل کرده باشد و از حرام معلوم نبود که اجتناب کند
بنظر خود که حلال و حرام مخلوط است و بر ذمه او نیز مال مردم هست میگوید خدا کی
و ذمه در آن مال چه صورت دارد خیر خیرات هرگاه بکند هر چه صورت دارد

فعل حرام بوده یا ثواب **جواب** تصرف در مال غیر بدون اذن شرع حرام است و فاعل عاصی و روسیاه درگاه الهی جل جلاله خواهد بود باید رد بصاحبش شود و اما غیر خودش هرگاه ندانند لیکن مال از ممر حرام است حلال است بالنسبة باو باذن صاحب ظاهری و من یکون فی یده والله هو العالم **سؤال** اول الحصر اکثر بجهة دلیل تقلید مجتهد واجبست بیان فرمایند **جواب** مخدوما این مسئله و سایر مسائل که بعد ذکر میشود در کتاب مفاتیح الاصول مفصلا و با دلیل ذکر کرده‌ام و در مقدمه کتاب اصلاح که فارسی شده بدون ذکر دلیل ذکر کرده‌ام شما بهر کدام رجوع نمایند رفع حاجت شما میشود والله هو العالم **سؤال** هرگاه تقلید اعلم نکرده یا بعدم فهم خود که تشخیص اعلم را نداد لکن قصد تقلید اعلم واجبست باید عدول باعلم کند در آنچه تقلید کرده و عملش را نیز قضا کند یا نه **جواب** هرگاه تقصیر در معرفت مسئله نکرده واجبست که عدول باعلم نماید و در بسیار از صور قضاء صلوة و صوم واجبست و احوط قضاء هر دو است **سؤال** در ولایت بعیده هرگاه مقلد مجتهد مشهور عامی برسد تحصیل مسائل از او میتواند کرد هرگاه او عادل داند و آیا واجبست اخذ از عادل خبر دهنده یا جایز است و بر همان مقلد عادل واجبست با ایشان بگوید یا جایز است **جواب** هرگاه تقلید نمودن مقلد موقوف باشد بخبر عادل و چاره دیگر در تقلید نداشته باشد واجبست که اعتماد بر خبر او کند و بر مخبر در اینصورت نیز واجبست خبر بدهد والله العالم

سؤال بعضی کشها صیغه جاری میکنند که میت را بجهت اشرف بیاورند مثلا و دفن کنند میاد برند در کربلای معلی و در نجف میکنند یا در بین راه بولایتی دفن میکنند آن وجهی که گرفته‌اند مشغول ذمه هستند و جواب میت را نیز در قیامت باید بگویند یا نه **جواب** بر نعش کش معروض واجبست اداء آن که اجیر است عمل بجا آورد و هرگاه بجا نیاورد ظاهر فرضش آنست مستحق تمام اجرت نخواهد بود و مشغول ذمه خواهد بود والله هو العالم **سؤال** ضعیفه میگوید که شوهر من بمن نفقه و کسوة نمیدهد و میگوید از خانه بیرون برو کی زن من باشی و خود شوهر با زن دیگر خود میباشد من بدون رضای او بکربلا آمدم و در اینجا میخواهم تا آخر عمر بمانم او میخواهد من برم ولایت و از کیسه خود بخورم هرگاه بروم معصیت است بجهة آنکه نفقه و کسوة بمن نمیدهد و دیگر در ولایت ما امر دین و شرع را چندان طالب نمیباشند و اکثر امر ایشان عرفی است چه میفرمایند **جواب** احوط از برای ضعیفه آنست که برود نزد شوهر خود و مخالفت او را ننماید و لیکن برود بخدمت حاکم شرع یعنی مجتهد جامع الشرایط و حق خود را از شوهرش بگیرد و مجملا آنکه دعوی اذن نمیدهم بآنکه مکث آنکه امور دین واجبه او موقوف باشد بماندن در اینصورت ماندن بقدر تحصیل واجب جایز باشد والله هو العالم **سؤال** هرگاه کسی فوت شود و یکی از ورثه او غایب باشد و سایر ورثه جمع شده مخلفات را تقسیم نمایند و از برای غایب نیز سهمی قرار دهند و تعیین نمایند لیکن حصه غایب را در حصه غایب منظور ندارند آیا چنین تقسیم صحیحست یا نه

وبعد از آمدن غایب هرگاه امضا ننماید تقسیم را از سر گیرند یا آن شخص غایب که حاضر است
مختار است در امضا یعنی هر یک از سهام یا اینکه میتواند از هر یک از دو کالا و مبتاع را
بقدر الحصه رشد حصه خود را بگیرد و دیگر اینکه در حین غیبت آن وارث بعض از ورثه
حصه خود را فروخته اند آیا از عین مبیع موروث حصه می برد بقدر الحصه یا اینکه
معامله فاسد است و تقسیم جدید باید بشود در این مدت اجرة المثل را از حصه خود از جمیع
مخلفات میتواند بگیرد یا نه **جواب** چنانچه تقسیم واقع شده در زمان غیبت بحصه غایب
اتفاق افتاده و حصه غایب علی وجهها مفروز نشده و بالجمله محتوی شده که غایب
مغبون در آن میباشد بی اشکال تقسیم نسبت بآن فاسد و لازم است که از سر گیرند
و چنانچه تقسیم علی الوجه المعتبر واقع شده و حصه غایب درست منظور شده ولیکن
بی رضای وکیل یا ولی یا حاکم شرع یعنی مجتهد جامع الشرایط اتفاق افتاده حکم بصحت
چنین قسمتی محل اشکال است بلکه حکم بفساد در صورت توقف قسمت بر رضای شریک
و عدم رضای غایب محل اشکال است چونکه قسمت مفروض و فعلها رجوعی میباشد و اول
صورت بیع میباشد بعضی صحیح و بعضی فاسد نمیتوان حکم بصحت و فساد او نمود
مگر بعد از اطلاع بر کیفیت واقع شده و بر فرض فساد البته غایب مستحق اجرة المثل
زمان تصرف خواهد بود در جائی که متعارف و صاحب اجرت عادة والله هو العالم
سؤال هرگاه زید عالم است باینکه پدرش از مال حرام جمع نموده و مخلوط است

بمال دیگر

بمال دیگر غیر حرام و عین هر یک و قدر هر یک را نمیداند و طلبکاران ادعا مینمایند
بقدر ادعای ایشان باید بدهد یا بدون یقین نه **جواب** احوط مراعات قول ایشان است
بلکه مراعات حصول یقین است ولکن لزوم اعتماد بقول ایشان محل تامل است والله
بجا آرند **سؤال** این شخص پدرش از مال حلال و حرام مستطیع شده فوت شده آیا
هرگاه مال الحلال الحساب که بقدر استطاعت نداشته است حج نیابت عنه باید بگیرد یا نه
جواب در صورت مفروضه حج واجب نیست بصحت و هم چنین بر ممی هرگاه چنین باشد
بلکه لازم است رد مال الحرام بارباب هو العالم **سؤال** هرگاه آب حمام در ظرف غصبی باشد
غصبی آیا شخص میتواند از آن آب حمام در ظرف غصبی غسل بجا آورد یا نه **جواب**
احتمال صحت در غایت قوت است چنانچه وضو ساختن مانع رد بصاحبش باشد و اگر آب
مباح در ظرف مباح دیگر ممکن باشد والله هو العالم **سؤال** در ظل خانه غصبی نماز
میتوان کرد یا نه **جواب** میتوان نماز مفروض والله العالم **سؤال** با جامه بخیط غصبی
دوخته شده نماز میتوان کرد یا نه **جواب** احوط اجتناب است ولیکن احتمال صحت در
صورت عدم منافات نماز در مغصوب و عدم انحصار ساتر در آن جامه در
نهایت قوت است هو العالم **سؤال** با لباس مشتبه بحریر یا غصب نماز نمیتوان کرد
یا نه **جواب** میتوان نماز کرد و نماز در آن فاسد است **سؤال** در کفش موضعی بدون
اذن صاحبش وضو میتوان ساخت یا نه **جواب** احوط ترک است ولیکن حکم بفساد

کرد دمانع

وضو محل اشکالست واحتمال صحت قوییست در صورت عدم منافیت وضو از ذمه
بغاصب والله هو العالم سؤال در ظروف غصبی چیزی میتوان خورد یا نه جواب حرامست
چیز خوردن در ظروف غصبی چراکه تصرف در غصبیست وتصرف در غصب حرامست
والله هو العالم س ظروف که از ولایت مشرکین میآورند با او چیز میتوان خورد
جواب چنانچه علم بنجاست آنها نباشد ولو شرعا یا تطهیر آنها بشود بر وجه شرعی چیز
خوردن در آنها مانعی ندارد والله هو العالم س بروشنائی چراغی که بپیه غصبی
باشد منتفع میتوان شد یا نه جواب ظاهرا مانعی ندارد مادامی که تصرف در غصب
واقع نشود والله هو العالم سؤال هرگاه کسی در حال غیظ رده گوید بطریقی که مختار
نباشد احکام مرتد بر او جاری میشود یا نه جواب چنانچه غضب بحدی باشد که شخص از حال
طبیعی واختیار بیرون رود وشعور بهیچ چیز نشود حکم بارتداد نمیشود هو العالم
سؤال مطایبه وشوخی الفاظی که کفر است ظاهرا بایا هم میگویند بدون قصد حقیقت
آیا کفر است هم داخل کفر است یا نه جواب حکم بکفر نمیشود یا نه هرگاه قصد معنی نباشد
وموجب استخفاف دین نباشد وهو العالم سؤال مفسد صوم است یا نه جواب حکم
بفساد محل اشکالست واحوط مراعات احتمال افساد است س هرگاه طلبی از زید دارد
وزید جحد وحال اینکه دارد آیا باید وبه مرافعه بقدر حق خود از مال او میتوان برداشت
یا نه جواب چنانچه ممکن نباشد استیفاء حق خود الا بطریق تقاص تقاص جایز است لیکن

بعد از

بعد از مراعات شرط شرعی او در کتاب اصلاح بیان نموده سؤال شخصی زید وعمرو را وصی
خود نموده وعمرو مطلع از وصایه خود نبوده وبعد از مردن شخص مطلع شد که عمرو را ایشان از
جمله اوصیا است آیا میتواند قبول ننماید یا نه جواب احوط از برای عمرو آنست که رد وصیت
ننماید وقبول نماید والله هو العالم سؤال هرگاه شخصی در مرض موت چیزی را ببخشد ورثه
میتوانند ندهند یا نه جواب هرگاه هبه مقرون بشرایط صحت باشد ورثه را نمیرسد که منع
کنند والله العالم سؤال هرگاه وجهی تعیین نمود موصی بجهت صوم وصلوة ورد مظالم که
زید وعمرو بکسانی داده که عمرو را مقبول نیست آیا چه صورت دارد وهمچنین هرگاه ورثه
بدهند بدون اذن عمرو میتواند مؤاخذه نماید ویکسانی که اعتقاد دارد بدهد یا آنکه
همان دادن ورثه صحیح است وهمچنین هرگاه مالی را تعیین بجهت اخراجات حمل نعش
بعتبات عالیات وبعد وصی نظر باعتقاد خود یا بدون اعتقادش را صرف صوم و
صلوة او نماید چه صورت دارد آیا محرم است یا نه جواب هر دو وصی با اشتراک
باشند تصرف احدهما بدون دیگری باطل است وشخص متصرف ضامن است والله هو
العالم سؤال چه میفرمایند در اینکه ملکی که آب علیحده بدون ملک خرید و
فروخته میشود مراد زید حصه از آب زید را فروخته است بدون اذن زید در حالی
که زید غایب بوده بعد زید حاضر شود وقبول نماید مبایعه مذبور را اما مثل آن
ابراز برادر خود مطالبه نماید یا از مشتری مطالبه نماید وحال اینکه مشتری عالم بوده است

که برادر زید ابی نداشته جهت منحصر بوده است مبیع با ب برادر ترکه زید باشد و در
این مدت که در دست مشتری بوده اجرت المثل را میتواند مطالبه از مشتری نماید
یا از بایع و حال اینکه متصرف شده مبیع در این مدت با مشتری بوده است جواب چنانچه
جهت ارث منحصر شده و بعد ضامن مال را عنوی نشده آنچه مشتری استیفا نموده از آب
آبی است که رجوع نماید یا عین او را هرگاه باقی باشد یا مثل او را چرا که آب از مثلیات
میباشد و اجرت در اینمقام معنی ندارد چنانچه گفتگوئی واقع شده باید رجوع بمجتهد
جامع الشرایط نماید والله العالم سؤال بیان فرمائید که مزرعه چند است در کوهستان
که بعد از اخراجات بذر و وجوهات و سورسات و جهت قوت رعیت پانصد دینار
که خرج میشود شش دینار عمل کرده میشود آیا صد دینار که مضاعف اصل زکوة دارد
یا همه شش صد دینار جواب مسئله نزد داعی احتیاج بتامل دارد لکن مراعات احتیاط
مهما امکن اولی است والله هو العالم سؤال عوام الناس که بعتبات عالیات
مشرف شوند زیارت نامه که دیگری میخواند با او نمیکردد و خود نمیتواند
بخواند چه کنند و نیت زیارت را باید کرد یا همان قصدی که دارند کافی است و نیت
نماز زیارت را بچه نحو باید کرد جواب اصل زیارت همان حضور است پس هرگاه این
معنی از برای محض رضای خداوند عالم باشد بعمل آورده امید ثواب بسیار در او
میباشد و ضرور نیست که بزبان جاری نمودن چرا که محل او قلب است والله العالم

سؤال

سؤال شخصی ملکی را ده تومان بزید وصی میت او داده خالی نموده صد تومان
گنجایش دارد آیا آن نود تومان ضرر دارد یا نه جواب مجرد در زیادتی ضرر او کافی
نیست اگر چه احوط است والله هو العالم سؤال کسی نایب زیارت زید میشود چند
روز زیارت بجهت زید باید کرد جواب بایست بعمل آورد آنچه را در عقد اجاره
منظور داشتند طرفین و هرگاه تعیین عمل و مقدار او نشده باشد اجاره باطل است
والله العالم سؤال هرگاه زید عمرو را وکیل نماید در شرای خانه و وجه او را نیز بدهد
لیکن وکیل صیغه را باسم خود خوانده و خانه را بجهت خود خریده بعد به موکل میگوید
که خانه مال من است و وجه را باز او داده آیا بمجرد تنخواه زید داده خانه مال
زید است یا محتاج وجه و خانه مال عمرو است جواب چنانچه عمرو وکیل خانه را از برای
خود خریده نه از برای موکل خود چنانچه فرض شد است خانه از برای عمرو وکیل میباشد
و ملک او است و بمجرد تنخواه موکل دادن منشاء منع اینمعنی نمیشود والله هو العالم
سؤال قنات چند نفر شریکند و نزدیکست که خراب شود بعضی از شرکاء شراکت
در اخراجات نمیکنند شریک میتواند جبر کند او را در دادن خرج قنات و اگر نکند
بان ضرر شریک دیگر میرسد جواب شریک نمیتواند شریک دیگر را جبر نماید بر آنچه ذکر
شد والله هو العالم سؤال شخصی بجهت غسل نظر بضرورت بیم تیمم کرده و با لباس
نجس نماز کرده و ممکن نبوده او را تبدیل جامه یا ممکن بوده جاهل بوده آیا معذور است

یا نه جواب جاهل مسئله در مسائل مذکوره با تقصیر معذور نیست و تیمم بدل غسل با شرایطهم
جایز و هم چنین در جامه نجس والله العالم سؤال عمرو زید را وصی خود نموده و نفر دیگر
را شریک کرده در وصیت موافق وصیت نامه دخل و تصرف در اداء وصیت کرده در مال
وامول الموصی میگفتند با اطلاع واستحضار هر دو نفر باشد نه بدون اطلاع آن دو نفر
میگوید فلان قدر از مال الموصی را از قرار وصیت نامه خرج امام ؟ وغیره را بمحضرات ؟ ما
باید قبول کرد یا اثبات ضرور است و یا اینکه همینکه شرکا را محض شناخت و خلاف وصیت هیچ
نوع خیانت کرده و از وصی بودن اخراج میشود یا نه ولی عمل بخرجها ؟ است یا نیست جواب
ادعای شخص وصی مذکور مسموع نیست بلکه هر اخراج در هر تصرف که کرده باطل است و ذمه
بسیاری از نصوص ضامن مال است و مع ذلک اگر فاسق میباشد هو العالم سؤال هرگاه
کسی مشغول الذمه است برد مظالم مثلا سیصد تومان و عمرو عارف عبد لست با جمیع
شرائط استحقاق و مجتهد مجهدا لله بلاد … خود تا از شغل ذمه کی بر … بیاورد
بدفعات چیزی از زید بعنوان رد مظالم قبول بکند و باز بزید رد بکند تا اینکه او را
بری الذمه بکند میشود یا نه جواب چنانچه شخص مشغول الذمه برد مظالم قدر مظالم
تعلق بمقدار او کرفته باشد مالی غیر عمل مذکور مثبت ذمه مجتهد بود بلا اشکال والله
هو العالم سؤال اگر شخصی خدا نذر والدین نذر بکند آیا آن نذر صحیح است یا باطلست
و محتاج است بمنع والدین اگر کسی داشته باشد نمازش صحیحست یا نه وهم چنین

با انگشتر

وهم چنین با انگشتر غصبی نماز صحیح است یا نه و نیت را داعی بر فعل میدانند یا خطور
بالبال و دیگر در غسل ارتماسی آیا ضرور است که مجموع بدن از آب بیرون باشد تا که
یا سینه یا حلق که در میان آب است میتوان نیت کرد و سر را به آب فرو برد و دیگر دستمال
و بند زیر جامه که حریر باشد آیا مبطل نماز است یا نه جواب اقوای نزد داعی آنست
که نذر بدون اذن والد صحیح و کلام در الاتیان خلاف الجماعة و اما والده بهیچ وجه مدخلیت
ندارد پس نذر صحیح است بدون اذن والدین مطلقا و صدقه مستحب مانع نماز نیست
وهم چنین انگشتر در صورتیکه رد قیمتا حبش موقوف بر ابطال نماز نباشد و نیت را
داعی بر فعل میدانم نه صورت مخطر بالبال و لیکن این احوط است و در غسل ارتماسی
واجب نیست خروج از آب ولیکن این احوط است و دستمال حریر مستحب باعث فساد
نماز نمیشود و اما تکه را در کتاب اصلاح نوشته ام حکمش را الحال در خاطرم نیست
سؤال در خصوص زعفران مغشوش بغش ظاهر معلوم بیع المتبایعین و اهل تجارت
هزینه و فروخت میکنند و بیع و شرای زعفران مغشوش مذبور در میان شهرت
یافته بلکه عادت قدیم و سیره ماضیه بدین طریق رفتار بوده و میباشد و ترک نمیشود
هر چند موعظه میکنند تجار را که این بیع و شرای باطل است زیرا که از جمله بیع
تقیه غش و غش است کسی قبول نمیکند والتماس آنست که بنابر بطلان این معامله
آیا زعفران مذکور را بمصالحه یا هبه میشود نقل و انتقال نمود یا نه جواب چنانچه غش

ظاهر باشد بر هر کس و مخفی نباشد ما نحن ان ابتیاع آن بنظر نمیرسد و اشتراط عدم جهالت
ثمن و مثمن در بیع منشا فساد معامله مذکوره نمیشود و همچنین که بیع جایز است در باب
مقام صلح و هبه نیز جایز است والله هو العالم **سؤال** هرگاه بدن یا جامه رطوبت ملاقات
میت آدمی شود قبل از تطهیر و بعد البرد آیا طهارت جامه و بدن واجبست یا نه **جواب**
بدن و جامه که رطوبت داشته باشد و ملاقات کند بدن میت را بعد البرد و قبل از غسل
نجس میشوند و تطهیر ایشان از برای شروط الطهارة لازم است هو العالم **سؤال** هرگاه بدن
یا جامه قبل البرد و قبل التطهیر میت مذکور را ملاقات نماید آیا غسل واجبست هر چند
غسل واجب شود یا نه **جواب** احوط مراعات غسل است بعد ثبوت موت شرعا والله العالم
سؤال آیا وقف با حرکت و وصل به حرکت چنانچه قراء تجویز نموده‌اند و اکثر علماء مجتهدین
این دو قسم از قرائت را باطل میدانند **جواب** دلیلی موجب بطلان نمیدانم ولیکن
احتیاط موکد آنست که ترک نماید هو العالم **س** هرگاه عمر اجیر زید شد در مدت
معین و در بین مدت مریض شد بقدر یکماه مثلا آیا اینمدت از کیسه زید میرود یا زید
عمر و میتواند محسوب داشت بطریق توزیع **جواب** از کیسه مستاجر خالی از اشکال
نمیرود و البته زمان ترک عمل محسوب میشود مثل زمان عمل والله هو العالم
سؤال در قنات جمعی شریکند مشاعا و بعض از شرکا میگویند ما راضی نیستیم
احدی از این و ضوا بسازند یا سایر استعمالات کند آیا شخص شریک میتواند بقدر الحصه

استمهال

استمهال نماید **ج** نمیتواند هو العالم **سؤال** چه میفرمایند در اینکه هرگاه نهری از خارج
بلدی داخل بلد شود و در این نهر جمعی شریکند و قدری وقف است که مصرف آن معلوم
نیست و الآن غصب نموده‌اند ظلام و حکام و هر روزی جمع کثیری که شریکند چندین
تقسیم میکنند و در ایام سنه هر روزی بطایفه خاصه و جماعت مخصوصه تعلق دارد و
میزاب به بلد آن آب را در روزی غصب مینماید و اما اینکه میزاب آن آب را که امروز مثلا
نوبت جماعتی است تا آخر سال نمیدهد آیا همچه آبی میتوان وضو و غسل و سایر تصرفات
از آشامیدن و اکل طعام و غیره نمود یا نه و هرگاه کسی خود هم در این آب حصه داشته
باشد آیا میتواند بقدر الحصه از آن آب تصرف نماید و دیگر اینکه این آب قدری حصه
از آن وقف حمام و حوضها نموده‌اند و قاعده که هر روزه بقدر الحصه از این آب
مغصوب برمیدارد میتوان از آن آب غسل کرد یا نه و سایر تصرفات نیز میتوان نمود
یا نه **جواب** در مال مشترک بدون اذن شریک تصرف نمیتوان نمود و هرگاه تصرف نماید
مثل نماز در زمین مشترک و وضو و غسل از آب مشترک و آن تصرف بدون اذن
شریک باشد و لغو بوده حرام خواهد بود و عبادات مفروضه فاسد خواهد بود بلی
دور نیست که در ابقای نهر بعض تصرفات مثل وضو و غسل و تطهیر ثیاب جایز
باشد از برای غیر مالک با عدم ظهور منع مکانیکه کسی دیگر آنرا غصب نموده باشد
در اینصورت نمیتوانم حکم نمود باباحه و بحث جلا احوط اجتناب است مفروض

است مگر آنکه اذن صریح یا محوای قطعی از مالک یا من یقوم مقامه داشته باشد
هو العالم س هرگاه بزی گوسفندی بکسی داد و آنکس عالم است باینکه مال غیر است و غصبی
و صاحبش را نمی‌شناسد که باو رد نماید و چند سال داشته و نتایج او را خود تصرف
نموده جاهل است بر اینکه نما تابع و فرع است اصل خود را و هیچ فقیه که حلال است هرگاه
صاحب گوسفند هم نرسد بفقرا باید بدهد سید باشد یا عامی و اینکه باید تمام محصول
و نتایج را بدهد بفقرا یا همان اصل را که گوسفند او است بفقرا باید بدهد و هرگاه خود
فقیر باشد میتواند تمام را خود صرف کند یا بقدر حصه و هرگاه گوسفند او را قیمت نماید
و وجه او را بفقرا کرفت و اصل ما حاصل و نتایج حلالست در اینصورت یا نه و هرگاه میش
غصبی باشد و نزاع الحق در اینصورت تابع پدر است یا مادر و شیر و ماست
اینهم مثل اصل است هرگاه خود تعلیف نموده بقدر اجرت میتواند ادا و بجز در اجرت تعلیف
را بردارد محصول یا نه جواب گوسفند مذکور با جمیع مراتب نتایج مال صاحبش است
و تصرف در آن نباید بدون اذن صاحب حرام و موجب ضمان و باید که سعی نماید که بصاحبش
برساند بقانون شریعت و جاهل مسئله مقصر در حتی مسائل معذور نیست نسبت
بحکم تکلیفی که حرمت باشد و نه نسبت بحکم وضعی که ضمان باشد و اما مسئله اخیر محتاج
بتامل است هو العالم س هرگاه کسی علم دارد بر اینکه زید نه خمس میدهد و نه زکوة
و میداند که بذمه او میگیرد ... اعد بدهد یا اینکه اصلا نمیدهد مال او را میتوان خورد

هرگاه مهمان شود و هرگاه فقیر باشد میتواند اخذ بکند بقدری که میدهد زکوة را یا کمتر جواب
مالی که نمیداند عین خمس و زکوة در آن هست میتوان تصرف در آن اکل و غیره بکند
باذن صاحبش هو العالم سؤال چه میفرمایند در این باب که هرگاه نزد شخصی از وجه خمس
الحمد حضرت امام ع بوده باشد و سادات عالی درجات ولایت بپا باشند
مضطر و فقیر الیا جناب شما اذن میدهید که آن شخص حضرت امام ع را ابنا دادات مضطرین
او ولایت داده ایشان امر و برسانید یا نه ج هرگاه شخص را بشناسم ملازم که عارف
بمسئله حضرت امام ع هست و عادلست و کیلش در صرف آن نیز ظاهر میتوان کرد س چه
میفرمایند در این باب که زید از عمرو مبلغ معینی طلب دارد و اگر نقد عاجز باشد هرگاه
بقدر طلب خود از مال عمرو تقاص نماید حلالست یا نه جواب چنانچه شرایط تقاص موجود
باشد چنانچه ظاهر فرض همانست بلی میتواند که تقاص نماید والله العلم سؤال هرگاه زید
خمس مال خود را نداده مشتبه باشد یا عمرو از او تنخواه گرفته داد و ستد تواند کرد یا نه و یا از او
بر نسیه و نقد مال گرفته بمال خود مزج تواند نمود یا نه جواب خمس تعلق بعین میگیرد
هرگاه عمرو بداند که این مالی که از زید گرفته شده خمسش داده نشده تصرف در آن
نمیتوان نمود و حکم مال مشترک دارد سؤال هرگاه زید زکوة گندم خود را نداده باشد
و عمرو از او گندم بجهت خوردن ابتیاع نموده باشد آیا زکوة بر ذمه تعلق گرفته
بود که زید شغل الذمه می باشد که باید بدهد و یا بمالک که باید عمرو بدهد و بعد گندم

را بخود دهد آیا بکدام یکی واجبست جواب زکوة تعلق بعین میکیرد نه بر ذمه اگر چه میتوان
وا داد بناء علیه مالی که زکوة دارد حکم مال مشترک دارد که بی اذن شریک نمیتوان در
تصرف کرد هو العالم سوال هرگاه شخصی مجموع دیوار خانه خود را از پنجها و جانبیکه
اوست و باحدی خلل ندارد اعم از آنکه در جانب شارع عام واقع باشد یا در جانب
شارع خاص یا از جانب همسایه از تحت تا فوق مشبک بسازد آیا احدی را میرسد که او را
منع نماید و بگوید این سوراخها را سد کن یا نه جواب شخص را میرسد که تصرف در ملک
خود نماید خواه بنحو مذکور باشد و خواه بغیر آن مطلقا اگر چه ضرری مترتب شود بهمسایه
ولیکن احتیاط اکید ترک اضرار غیر است و آن غیر هم مسلط بر آن نمیباشد که ممانعت نماید
والله هو العالم سوال چه میفرمایند در این مسئله که زید در غربت برحمت الهی رفته
و از او زنی و صغیری باقی مانده و زید متوفی و متعه پدر رشید بوده و ثلث پدر شرعی و مال
برادر و مال همشیرهای که در نزد زید بوده و بعضی از اموال و اجناس امانت در نزد زید
بعنوان مضاربه بوده است بعد از آنکه زید در غربت متوفی میشود صاحب
تنخواه مضاربه و صاحب امانت مشخص کرده یا نکرده که تنخواه مضاربه و امانت کدام
آیا تلف شده یا باقی مانده در اینصورت مرحوم و بعضی از متعلقات پدری زید و خود
زید را و مال غیر را صغیره امین و شند و هر یک بقرار مال خود بصید ارند یا صاحب تنخواه
مضاربه و صاحب امانت خلاف شرع بوده‌اند باید آنچه بخواهش خود برداشته رد نمایند بعد

انتهی

از تعیین وصی و یا قیم و وکیل از جانب ورثه هر یک حق خود را برده‌اند و با هم نوعی که کرده‌اند
عمل ایشان شرعی و بی عیب است و چنانچه صاحب تنخواه مضاربه صاحب مال امانت قبل از
نمودن در مخلفات زید هر یک بخواهش خود و باستدعای خود قیم شدند یعنی عمرو در وکالت
دیگر قیم شود و صاحب مال المضاربه در وکالت دیگر خود را قیم شرعی نماید برای خاطر همین
که مال ایشان تلف نشود تنخواه خود را نقد کند آیا قیمومیت ایشان صحیح است و عملی که بدون
اطلاع ورثه و همشیرها نیز کرده‌اند صحیح است یا نه جواب چون عملی از دو مسلم صادر
نمیتوان مسارعت بحکم بفسق ایشان نمود شاید وجه صحتی داشته باشد بلی هرگاه هر دو
عین المال خود را از ذمتا ایشان باستیفاء ذمه متوقف بالایشان و رجوع بحاکم مجتهد
جامع الشرایط نموده و من عندی استیفاء مال خود را نموده‌اند و معلومست که حکم بشود
که آنچه کرده‌اند بیوجه است و غلط است و قیم که کسی بغیر حاکم شرع نمیتواند بکند والله
هو العالم س چه میفرمایند که کسی بلاد فرنگ رفته از برای امر تجارت و بعد از مدتی
چند نفر از تجار آمده در پیش علما شهادت اجمالیه داده‌اند که ما در اسلام بول شنیدیم
که فلان شخص تاجر که بفرنگ رفته مرتد شده و بدین نصاری در آمده و بعضی از شهود
ادعای حصول علم قطعی از برای خود در این خصوص نموده لیکن همه شهود متفقند که ما
آن شخص تاجر را ندیده‌ایم آیا بمجرد این شهادت حکم بر بینونیت زوجه همچنین میتوان یا نه
و بر فرض وجوب حکم بر بینونیت آیا ملاهای این ولایت که مجتهد بالفعل نیستند زوجه او را

بشوهر میتوانند داد یا نه و بر فرض که مجتهد نباشند عدالت ایشان معلوم نیست
بلکه معلوم العدمست آیا حکم ایشان در این صورت مجزی است یا نه و اگر زن صبیه او را ولی
ایشان کذالک بشوهر داده باشند آیا از برای عدول مؤمنین من باب الحسبه واجبست که تفریق
میان زوجین مذکورین چند نفر دیگر بیایند و بگویند که ما دیدیم که فلان شخص تا امر که میگویند
مرتد شده مسلم بوده و نماز و زیارت عاشورا میکرد با وجود این آیا شهادت سابقها
باطل میشود و دیگر کسانیکه شهادت بارتداد داده اند عدول نباشند لیکن
بحد استفاضه رسیده باشد یعنی مفید ظن متاخم بعلم باشد در این خصوص وقوع شهادات
اعتبار دارد یا نه و اگر دو عادل مثلا شهادت داده باشند آیا شرطست در قبول
شهادت ایشان که تصریح نمایند بعدم خوف از جانب مشهود علیه بوده باشد
قبول میشود **جواب** حکم غیر مجتهد اعتباری ندارد خواه عادل و خواه غیر عادل و هم
چنین مجتهد غیر عادل اعتباری ندارد چنانچه حکم ایشان نافذ و نفرضا در شرع ثابت
اولی نیست از برای عکس که قادر بر منع باشد تمکین از ذکر جاری شود بلکه واجبست
و دای علمی را در امور محسوسه بحسب ظاهر معتبر میدانم و اعتبار استفاضه ظنیه محل
اشکالست و چون مورد سؤال قضیه شخصیه است رجوع نمودن در تحقیق حکم بحاکم
شرع مطلع بر اصل قضیه اولی با استفاضه مشکل حکم آن ظاهر شود والله هو العالم **سوال**
اگر کسی یکتومان را با سفید مثلا مصالحه بکند بدوازده هزار سفید بموعد یکساله آیا

این مصالحه

این مصالحه شرعیست یا باطلست این مصالحه صحیح است در صورت عدم تحقق ربا
و قبض مجلس در مصالحه نقدین شرط نیست علی الاقرب ولیکن احوط اشتراطست والله هو العالم
سوال اگر کسی زن خود را طلاق بدهد بجهة آنکه متعه بکند او را آیا قبل از انقضای عده
متعه کردن صحیح است یا نه **جواب** هرگاه طلاق بائن باشد بی اشکال متعه کردن جایز است
و در غیر آن کرده رجعی هم جایز باشد والله هو العالم **سوال** که هر کسی ربح المال و سرمایه
پولی بقدر کفاف داشته باشد و بعد از آن از ربح آن یا ربح و از سرمایه برداشته و
منظور شرعی این باشد که از آن معامله بکند و سرمایه بکند علاوه بر سرمایه اولی آیا
حیل شرعیه آیا خمس از آن ربح المال و سرمایه ثانی واجبست یا نه **جواب** خمس واجبست
در هر کسبی و هر تجارتی بعد از وضع مؤنة بجهة مصرف شرعی او فرقی نیست در آن بین المعاملات
و المکاسب هو العالم **سوال** اگر چنانچه طلاب الآن قبیل کوشش و تلاش بر طلبه وغیره نمایند
انصاف از ارباب تجارات و مکاسب بجهة زوجه خود و عیال درست میکنند حال
آنکه از شأن آنکس بوده باشد که انتظار بکشند آیا اشیاء مذکوره از مؤنة سالیانه محسوب اند
حساب بکنند یا اینکه خمس قبل از این چیزها باید داد بعد از وضع مؤنة سالیانه **جواب**
چنانچه احتیاج شدید باشد حتی امور ضروریه باشد و متضرر به ترک آن شود در بسیاری
که از مؤنة مستثنیات در خمس باشد ولیکن مراعات احتیاط بسعادة به ترک اشیاء احوطست
والله هو العالم **سوال** آیا ربح المال و سرمایه که خمس داده نشده خمس آن باید

داد یا بعد از وضع مؤنه از ربح ان و بر تقدیر عدم وجوب خمس در فی المثال مذکور اگر بعد از
حلول حلول سرمایه اولی تلف نشود قدری از ربح سرمایه اولی را از برای خود سرمایه
ثانیه یا انکه در سرمایه اولی بقدر کفاف بطور متعارف امثال واقران خود ربح حاصل
میشود ایا خمس از سرمایه ثانی ساقط است بالکلیه یا نه جواب در فی المثال اخمس
واجب میشود و بعد از تحقیق شرایط وجوب خمس مجرد در فی المثال بودن منشاء استثناء
از وجوب نمیشود والله هو العالم سوال اگر در جائی که شخص ظاهر العداله بمعنی حسن
ظاهری یافت نشود ایا در اجرای صیغه طلاق در خصوص تولیت امر صغار چه باید
کرد و حال انکه بجای دیگر رفتن بجهت اجرای طلاق مستلزم عسر و حرج باشد جواب
اما در مسئله اول بغیر از صبر تا تمکن از حضور شاهدین عدلین چاره دیگر فی الحال
بنظر قاصر نمیرسد واما در مسئله ثانیه غیر عادل از باب حسبه میتوانند که ضبط اموال صغار را
نمایند و حفظ از تلف شدن کنند و خرج صغیر کنند بقدری که تلف نشود وهو العالم س
ایا صیغه فضولیه در منقول مثل عقد دائمی جاری و صحیح است یا نه ج اقرب جواز است
هو العالم سوال دو نفر یتیم بوده باشد و مادر ایشان شوهر نموده باشد و مال
و پول نداشته باشد که مصرف نماید و کسی نباشد که برای رضای خدا ایشان را خرج
مصرف نماید و کسی دیگر نباید و بایشان خرج و مصرف نماید ده سال یا زیاده ایشان را
نگهداری نماید باین نیت که هر وقتی که بزرگ شوند خرج و مصرف خود را از ایشان

نکرد

ایا در وقت بزرگ شدن اطفال میتوانند خرج خود را از ایشان بگیرد یا نه ج چنانچه
با اذن ولی اطفال این بنا گذارده و با اطفال باذن ولی قرض داده میتوانند مطالبه نماید
و در غیر این صورت مطالبه محل تامل است سوال هرگاه شخصی بدون اذن مجتهد
مال حضرت صاحب الامر ع را بسید فقیر داده باشد و بعد از آن اذن از مجتهد بگیرد
آن وجه بمال امام ع حساب میشود یا علاحده باید داد ج نصف خمس که سهم امام
ع میباشد هرگاه بدون اذن از مجتهد جامع الشرایط داده شود شخص دهنده ضامن
میباشد و مجرد امضای مجتهد بری الذمه بودنش محل اشکال است والله هو العالم
سوال هرگاه شخصی مثلا صد تومان دارد ولیکن خانه و ظرف و فرش هم ندارد
از آن صد تومان خمس بدهد یا آنکه بعد از ساختن خانه و اثاث البیت خمس بدهد
جواب خمس واجب میشود در ارباح تجارات بعد از وضع مؤنه سال الی آخر بحسب حال
و مراعات وسط نشدن احتیاج بانها بلکه مطلق احتیاج متعارف هم کافی نیست
والله هو العالم سوال مال جناب صاحب الامر ع بغیر فقیر سید میتوان داد
یا نه جواب نمیتوان داد هرگاه داده شود بدون اذن دهنده ضامن خواهد
بود هو العالم سوال زید مثلا سی پنج تغار ان اب و تخمینا ده جریب زمین و چهار
دانگ باغ را نزد یکی از ملاهای غیر مجتهد وقف نموده که وجه منافع را مصرف افطار
مومنین در ماه رمضان و مهمانی روز عید غدیر و باقی خرج تعزیه سید الشهدا

م بکند و تولیتش را مادام الحیوة دست خود باشد و از برای حق تولیت قرار داده که نه
حصه از این وجه از برای خود باشد و یک حصه دیگر خرج با آنچه وقف نموده خرج نماید و بعد از
ممات خود حق تولیت باشد و نه عشره دیگر خرج آنچه وقف نموده باشد جواب حکم بصحت
این وقف نزد داعی اشکال عظیم دارد والله هو العالم سوال زید قناة جاریه را خرید
از عمرو اما قناة دیگر در جنب قناة جاریه بوده بعد از خریدن زید قناة جاریه را منفذ از
جاریه بنابر این پیدا شده و صاحبان قناتین با یکدیگر مصالحه شرعیه نموده اند بیان فرمایند
که وجه المصالحه تعلق بکدام یک دارد بزید یا بعمرو جواب در این مسئله باید رجوع بحاکم
شرع شود تا قطع نزاع بقانون شریعت غرا نماید والله هو العالم سوال زید قدری تنخواه
بعمرو داد و عمرو مزبور تنخواه معروضه را تصرف نموده و بسفر رفته و بعد از مدتی که آمده
زید مطالبه قیمت تنخواه خود نموده عمرو منکر شده زید جمعی شهود بر این مطلب دارد که
تنخواه بعمرو داده و از راه اضطرار زید بنای مصالحه نموده است با عمرو و عمرو قبل از اجرای عقد مصالحه
زید چند نفر شاهد گرفته است که مطلع باشید که این صلح توریه میکنم که قدری حق خود را
تحصیل نموده باشم و تتمه او بعد از این مطالبه نموده باشم آیا زید میتواند که بعد از صلح
بعوض ادعای تتمه حق خود نماید یا نه جواب ظاهر اینست که بر فرض سؤال بتواند ادعای
بطلان صلح و مطالبه تتمه حق خود نماید والله هو العالم سوال چه میفرمایند که زید ۲ سهم
میاه از قناة جاریه را بعمرو فروخته بعد از چند عام معلوم شده که از قنات مسدوده

بایره

بایره آب بآن قنوة جاریه آمده و صاحبان قناة بایره صرف آنکه ۲ این آب تعلق بقناة ما
دارد و مال ما است و شرکای قناة جاریه میگویند که این آب از قدیم الایام داخل بقناة جاریه
میشده و حق و مال ما است بعد از قیل و قال بسیار شرکاء قناتین با یکدیگر مصالحه شرعیه
نموده اند که قناة بایره مع اراضی و مضافات بالمناصفه بینهم قسمت شود و آب را از دهن
فرهنگ قناة بایره بیرون آورند و حال زید شاملیه که بایع قناة جاریه است میگوید
که من بآن آب کم از قناة بایره داخل بجاریه میشد عالم نبودم و اختیار فسخ با منست
و عمرو که مشتری است میگوید که تو قناة جاریه را مع متعلقات بمن فروخته و در عرف
این ولایت این آب نیز از جمله متعلقات قناة بایره است و من این آب را در دهن فرهنگ
قناة دایره دیده ام و خریده ام هرچند هیچکدام در وقت بیع عالم این آب نبودیم بیان فرمایند
که این آب از قدیم از قناة بایره داخل بجاریه میشد بعد از مصالحه شرعیه مذبوره بکدام
یک تعلق دارد جواب چونکه مسئله مذکوره متضمن دعوی میباشد باید که رجوع شود
در قطع نزاع بحاکم شرع یعنی مجتهد جامع الشرایط والله هو العالم سوال در خصوص
زیدی که عمرو را وکیل کرده در خصوص طلاق زن خود و عمرو بعد زید غایب
نموده است و عمرو قطع دارد در وکالت خود آیا این قطع بجا است از برای وکیل و مطلقه
هست یا نه جواب چنانچه عمرو قاطع است باینکه وکیل شرعی باینمعنی که موکل زید او را
در امر مذکور رسید بطریق قطعی جایز است که مباشر هو کلینه باشد و اما مطلقه

چنانچه وکیل نزد او ثابت باشد خود را مطلق قرض دهند والا فلا والله هو العالم س
شخصی ملک طاقیه بلا مالکی که تخمیناً یکصد سال طاقیه شده و مالکی نداشته سیاحیه
نموده بقدر ششصد تومان قابلیت بهم رسانید حق آن داده آیا مابعدها هر قدر زیا
و ترقی بهم رسانند حق زیاده این طلب باید بدهد یا نه جواب در زیادتی قیمت ظاهرا
حق نباشد والله العالم سؤال هرگاه حاکم عرف محقق بر سر زید بگذارد که فلان ملک
خود را بعمرو بفروش و زید مذبور از ترس ملک خود را بعمرو بفروشد عمرو مذبور آن ملک را
خریده باولاد خود وقف نماید و بعد از مدتی بایع و مشتری فوت شدند و ورثه زید
مدعی است از اولاد عمرو که موقوف علیهم است ادعا مینمایند که این ملک وقف
شرع بر شما ملک ما است او را پدر ما جبرا از ما گرفته و بعد از طول بسیار ولی او اولاد
آن ملک وقف را با ورثه عمرو مصالحه نمایند که نصف آن ملک مال ورثه زید باشد
و نصف مال ورثه عمرو آیا این صلح صحیح است یا نه جواب هرگاه جبریت در ملک بیع
مخصوص ثابت باشد وقفیت ملک مذبور باطل و مصالحه مذبور صحیح و هرگاه جبریت ثابت
نباشد وقفیت ملک مذبور بظاهر شرع صحیح و مصالحه مذبور فاسد س
هرگاه شخصی وجهی داشته باشد بقدر مؤنه خود نباشد آیا واجبست که هر چه باشد
بدهد بطلبکار یا آنکه کاری بکند بلکه نفعی عاید او شود که معاش نماید و بطلبکار
هم بدهد و هرگاه چنین وجهی را بطلبکار ندهد و تلف شود آیا معصیت کرده یا نه

جواب

جواب با مطالبه طلبکار لازم است که بدهد و توکل بر خداوند عالم نماید و هرگاه در
صورت وجوب دادن مخالفت نماید عاصی خواهد بود والله هو العالم سؤال هرگاه
شخصی مدیون باشد و قلیل وجهی دارد بطلبکار ندهد و اظهار نماید که ندارم که وجه
تو را بدهم و وعده نماید که صاحب طلب وجه خود را بقلیل وجهی صلح نماید چه صورت
دارد و هرگاه صاحب طلب مطلع باشد البته صلح نخواهد کرد جواب ظاهر آنست که صلح
صحیح باشد ولیکن احتمال و احتیاط در فسخ میباشد در صورت اطلاع بکذب و هو العالم
سؤال در خصوص اینکه شخصی کمالی را بکسی بفروشد و صیغه نخوانده و تعدی کرده وجه
نخواهم بصاحب مال بدهد آیا میتوان از فسخ چنین معامله نماید یا نه جواب در صورت
بقاء تمام عین مثمن و ثمن هر یک از متعاملین قادر بر فسخ میباشند والله هو العالم س
شخصی مدیون باشد در عرض سال نفعی عاید او میشود بطلبکار خود ندهد آیا خمس دادن
نفع واجبست و ندادن طلب مردم آیا فعلی حرام کرده و مؤاخذ است یا نه ج خمس
واجبست در نفع کسب بعد از دفع مؤنه بتفصیل مقرر در شرع و از جمله مؤنه دین
سابق است و ندادن طلب مردم با مطالبه دین و تمکن از ادا بی اشکال حرام است بلکه
احتمال اقوی آنست که نماز مدیون و سایر عبادات منافیه ادا در اول وقت باطل
باشد هو العالم سؤال شخصی وجهی را بشخصی مضاربه داده و شخص عامل بیم فرار تنخواهی
خرید نماید بعد از رسیدن منزل آن وجه را بقصد خود گرفته و بدون اذن مالک بقصد

خود تنخواهی خرید و نفعی عاید شود آیا نفع چنین مالی مال حلال است یا مال عامل و بر هر تقدیر آیا عامل
گناه کار است و مؤاخذ هست یا نه **جواب** نفع معامله ثانیه از عامل است چنانچه ثابت بشود قرارداد وجه
کلیت آن اتفاق افتاده باشد و چنانچه تصرف در مال غیر بغیر وجه شرعی و بدون رضای مالک شده
البته حرام است والله هو العالم **س** شخصی از هر جنس مثل گندم و روغن و شیره و هیزم و غیره
بجهت سال خود و عیال خود گرفته و سر سال از هر یک قدری زیاد شود آیا خمس بآنها واجب است
بدهد یا نه **ج** ظاهر است که واجب نیست در زیادتی مفروضه و لیکن احوط است والله
هو العالم **سؤال** در خصوص معاملات که حال متعارف شده که وجهی را تنخواه قلیلی را بقیمت
زیاد با شخصی میدهند و صیغه هم میخوانند یا آنکه خانه را بیع شرط میگیرند و بصاحب خانه
میدهند بزیاده از کرایه متعارف چنین معاملات صحیح است یا نه **ج** ظاهر است که
صحیح است در صورت عدم ثبوت عدم قصد هو العالم **سؤال** هرگاه شخصی بسبب درد
قبل از فوت جمعی را احضار نموده که مبلغ چهل تومان را نذر کردم که بمصرف حمام مخصوصی
خرج نمایند در این بین چند نفر اظهار نموده‌اند که شاید عمل باین نذر نتوان کرد شخصی را
تعیین و وصی نمود که هرگاه عمل باین نذر میتوان کرد چهل تومان را وضع نمایند و بمصرف
حمام مذکور رسانیدند و الا ثلث مالش که تخمینا سی تومان میشود وصی بردارد و بمصرف
حمام مذکور رساند آیا در این صورت چهل تومان را وضع نماید یا ثلث **جواب** چنانچه معلوم
باشد که صیغه نذر که معتبر است شرعا جاری نموده و شرایط معتبره محقق بوده بی اشکال

باید نذر

باید نذر را اخراج شود از اصل مال و چنانچه معلوم نبوده باشد که صیغه معتبره را جاری
نموده چنانچه غالب علما است عرفا و عادة یا شرط دیگر محقق نشده نذر معتبر نیست و نباید اخراج
نمود بلکه بوصیت او عمل نمایند و هرگاه امر مشتبه باشد و شخص گفته باشد نذر کردم باید ورثه را
اخراج کنید لزوم اخراجش محتاج بتامل است والله هو العالم **سؤال** هرگاه شخصی که
صاحب عیال باشد و از ضروریات و اساس البیت و مسکن چیزی نداشته باشد تقتیر
کند و قدری مال جمع کند که اینها را درست نماید آیا بر این وجه خمس تعلق گرفته است یا نه
جواب چنانچه از معاملات ربحی حاصل شود و الا وضع میشود از آن مؤنه سنه یعنی
ما یحتاج سال او از جمله ضروریات اساس البیت و مسکن ضرور است چنانچه تقتیر کند با او
و همچنین اگر از نقدی که تقتیر کرده و حساب میکند پای او انچه اسراف نموده والله هو العالم
سؤال هرگاه شخصی قدری مال نقد جمع کرده باین قصد که باین پول متاهل شود و خانه
و اساس البیت خانه را درست نماید آیا خمس واجب شده است در این پول یا نه
ج چنانچه این مال جمع شده از ربحی یا بخششی باشد خمس ندارد و هر چند زیاد آید
از ما یحتاج سال او و هرگاه از نفع معامله حاصل شده باید خمس بدهد والله هو العالم
سؤال هرگاه شخصی از پدرش قدری مال از نقد و جنس ملک و غیر ملک مانده است
همه را نقد کرده مدتی از منافع آن وجه گذران کرده است حالا اصل آن وجه باقیست
آیا بر آن وجه یا منافعش یا اصل مال خمس تعلق گرفته است یا نه الحاصل در ارث

خمس هست یا نه جواب اما آنچه ارث باو رسیده باشد یا بخشیده شده باو خمس در آنها نیست
واما آنچه از معامله حاصل شده ونفع معامله است خمس در آن واجبست بعد از وضع ما
یحتاج سنه والله العالم سؤال در باب شخصی که کتاب توفیر امیری بوده باشد و وجهی که از ده
مواجب ویا بصیغه انعام باو عاید شود گاهی اتفاق افتاده که از صندوقخانه از پیش
کشی آن موجود میشده و بعضی اوقات حواله بمباشرین و کارگذاران امر دیوان فرموده
و بعضی را بحکم بحکام و ضابطین محال و صاحبان قریه مینموده و شخص کتاب بغیر مزبور
نظر بحسن وثوق و اعتقاد که نسبت ببعضی از ملازمان کرده داشته بمطابق اوفق الایشان
که بصلاح اقرب و از فساد ابعد می انگاشته در وجوه و صور اخیر بتقدیم عوض را که بدبیع باو
داده شده باشخاص دیگر که دخلی بعامل و غیره نداشته اند بکمتر از آن وجه که در برات
مندرج بوده بزعم عدم شغل الذمکی بانضمام اشیاء دیگر بان فروخته و در عوض و مقابل
آن ایشان از مال خود بوی داده و آن برات و اشیاء دیگر را متوجه لعودة الذمه علاوه بر این مراتب
نیز ازمنی نشده گفتگو فی ما بین شده الآن هفت هشت سال میشود که باین طریق
رفتار شده و از وجوه مذبوره و بر غیر از وجوهات که قبل از آن داشت مخلوط و منضم
هم نموده معامله داد و ستدی کرده و از آن داد و ستد معاملات نفعی دیده و علاوه
بر آن اسخی اینکه بوعده رسیده الحاصل بتنهائی از آن وجه موزقه قوة استطاعت
ندارد و با انضمام آن وجوهات بتحصیل خود قوه استطاعه دارد بلکه زیاده تر دو

این صورت حکم شرعی در باره این شخص چه چیز است بیان فرمایند که آیا این شخص
مستطیع شرعیست یا خیر بان امید که ادم اگر برسانی یا بان امید که داری خدا اثر برساند
جواب هرگاه آنچه منضم شده بما لعوض حلال بوده بظاهر شرع وموجب استطاعت شود
مجموع مرکب از مالین حج واجب میشود اگر چه شبهه در مالین باشد و اگر چنانچه حرام بوده
شرعا و ما الحلال بنفسه موجب استطاعت نباشد واجب نیست واما مال الحکام جور
پس منقسم میشود باقسام کثیره و بیان آنها موجب اطناب اولیست از تحریر و هو العالم سؤال
آیا کسی میتواند که خود حصه صاحب الامر را بدهد با وجود امکان مجتهد یا نه و بر فرض
نتوانستن باید که بمجتهد بدهد یا مجتهد اذن بدهد و اگر مجتهد نباشد خود میتواند
یا نه جواب حصه صاحب الامر را از خمس شخص نمیتواند که صرف در مستحقین نماید بدون
اذن مجتهد جامع الشرایط و چنانچه نماید ضامن خواهد بود واما هرگاه باذن مجتهد
و بتوکیل او که صرف نماید مجزی خواهد بود و ضامن نیست و فرقی در آنچه ذکر شده
از آنکه نمیتواند که بدون اذن مجتهد بدهد ما بین تمکن و عدم تمکن نیست والله هو
العالم س آیا در سیادت سید یا فقر فقیر شهادت یک مرد عادل کافیست که بایشان
خمس و زکوة بتوان داد یا آنکه سید یا فقیر خود شان اقرار بسیادت یا فقر کنند قول
ایشان مسموع است یا نه ج سیادت سید و فقر فقیر ثابت میشود بشهادت
عدلین و استفاضه مفیده قطع یا تصدیق مدعی و بغیر آن امور مفیده علم عادی و فقر باینات

میشود بمجرد ادعای مدعی و صدور نیکه مسبوق بعلم بعنا نباشد و لهذا سیادت بمجرد ادعا
محل اشکال است و احتمال ثبوت بظن حاصل از استفاضه و غیر آن در نهایة قوت است سؤال صوفی
که در میان مردمان مشهور است در این زمان آیا نجس است یا نه جواب هرگاه ثابت میشود
شرعاً که ظاهر شده از او یکی از اسباب موجب کفر مثل انکار ضروری دین علی بعض الوجوه حکم
بکفر او میشود و نجس خواهد بود و بالجمله باید ثابت شود کفر او شرعاً با حد اسباب و شبهه
کفر و بمجرد اشتهار در میان مردم بنص فلک اکتفا نمیشود در حکم کفر و نجاست او شرعاً
والله هو العالم سؤال کسی مثلا از کسب و غیره تدارک سالیانه خود نسبت بما لابد کرده
از ماکولات و ملبوسات و ظروفات و فروشات بعد از خروج سال چیزی از ماکولات
زیاده مانده و باقی مذکورات قلیلا و کثیرا مانده است آیا از زیادتی ماکولات
و ما بقی اشیاء خمس باید داد یا نه جواب خمس واجب نیست در آنچه فرض کرده سایل ولیکن
شاید احوط باشد والله هو العالم سؤال در عقد نذر و سایر معاملات صیغه عربی
شرط است یا نه جواب در عقد صیغه عربیه شرط است و الله علی کذا در غیر آن والله هو العالم
سؤال کسی زوجه داشته باشد و یکی از ایشان گوید که یکسال یا مطلق
در خانه پدرم باشم حق فراش و نفقه را بتو حلال کردم و مرد هم راضی باشد آیا بری
الذمه میشود و این صحیح است و بعد هرگاه ادعا کند از زوج ادعای او باطل است
جواب ظاهر است که مرد بری الذمه میشود در صورت مفروضه و ادعای زن

بجا خواهد

بجا خواهد بود هو العالم سؤال زید و عمر از ثا خانه از پدرشان بایشان منتقل شده زید
مجنون شده خانه مشرف بخرابی بود مسلمانان از قبیل علمای این بلد از شیخ الاسلام و
و غیره صلاح ابدین دانسته اند حصه زید مجنون را بکسی فروخته اند و عمر هم حصه خود را
فروخته حالا زید مجنون ادعای حصه خود را میکند از مشتری آیا ادعای زید مجنون مسموع
است یا نه جواب چنانچه زید مدعی در حین دعوای بجنون سابق باقی باشد اعتبار
بدعوای او نباشد و چنانچه عاقل مسموع الکلمة در حین دعوی باشد مرافعه شود در نزد
مجتهد جامع الشرایط تا قطع دعوی را بقانون شریعت بیان نماید والله هو العالم
سؤال هرگاه زید مبتلا شود به آزار ناسور مدتی طول کشد زید مذکور اولاد بسیار
داشته باشد از ذکور و اناث زید مخلفه هم بسیار دارد از قبیل ملک و غیره همه را بیک
ولد ذکور خود هبه معوضه نموده و بهمان مرض زید فوت شد بعد از چندی یکی از اولاد وارث
دیگر را میرسد ادعای ارث خود بکند و با هکی بجز معوض جواب چنانچه آن مرض مرض موت
نبوده و هبه در غیر مرض موت اتفاق افتاده صحیح خواهد بود و سایر ورثه را بر او
تسلطی نمیباشد و چنانچه در مرض موت بوده و عوض هبه بقدر اصل موهوب بوده
قیمت و محاباتی در او نبوده نیز هبه صحیح و سایر ورثه را تسلطی نمیباشد و چنانچه موهوب
امر کلی باشد و عوض بسیار جزئی محل خلاف است که از اصل بیرون میرود و منجزات مریض
یا از ثلث و جماعت والد مرحوم بنا بر بودن که از اصل بیرون میرود و مراعات احتیاط در این

مسئله بسیار می‌باشد والله هو العالم سؤال چه میفرمایند در باب شخصی که عمری به بطالت
گذرانیده و در مدت عمر خود مشغول ملازمت بوده و اوقات صرف امورات دینیه خود
ننموده و غافل بوده و حال که وارد ارض اقدس شده و چند روزی که شرفیاب خدمت
عالی شده از مواعظ و نصایح که میفرمایند به هوش آمده میخواهد انشاء الله بعد اوقات
خود را صرف امورات دینیه خود نماید و تا حال از راه جهالت مقلد هیچ مجتهدی نشده است
حال میخواهم مقلد بندگان عالی باشم و بعد هم خادم ولایت خود میباشد چون لازم بوده
مراتب را بعرض عالی رسانید چه میفرمایند آیا قرار عمل نماید در این مدت که عمر خود را
به بطالت گذرانیده نماز و روزه که بخیال خود بجا آورده است چه باید بکند جواب عزیزا
نور چشما امر دین مجاهده میخواهد و قدری گذشتن از دنیا و ذخیره و چندی بایست
توقف نماید در اینجا با امکان و هر گاه ممکن نباشد بایست که سعی نماید در تقلید نمودن
مجتهد حی جامع الشرایط باخذ از او مشافهتاً یا باخبار شخص عادل یا رجوع بکتاب
معتبر از او یا باستفاضه مفید قطع و با عدم تمکن از مجتهد حی مهما امکن عمل
باحتیاط کند و با عدم امکان عمل کند بفتوای مشهور علمای امامیه و با عدم امکان
عمل کند بفتوای اعلم و ازهد ایشان و هر گاه هیچیک ممکن نشد مختار نیست در تقلید
هر مجتهد میت از امامیه و بعد از تقلید احوط اعاده جمیع عباداتست که بدون
تقلید بعمل آمده و این مجملی است از مفصل ولیکن ماندن بهتر است والله

هو العالم

هو العالم سؤال ملائی که تفرقه میان اخبار و انشا نکرده قواعد اعرابی
صرف و نحو و ضوابط اعراب نمیدانند یا وجود ملائی که همه را بتحقیق
و تدقیق بداند یا بدون اینچنین ملا آیا عقد و نکاحش درست است یا نه در صورت
نادرستی چنین عقد عمل آن و اولاد آن تا توان گفت یا نه جواب شرط نیست
در عقد و نکاح معرفت قواعد عربیت چرا که بتلقین و تعلیم هم حاصل میشود
و معرفت معنی انشا و اخبار امر دقیقی نیست بلکه کل ناس می‌فهمند اگر چه معنی
لفظ اخبار و انشا را ندانند والله هو العالم سؤال زید دختر عمرو را بعقد خود
در آورده عمر مبلغ شش تومان از زید گرفته که داخل مهر غایبانه است و نه
حاضر حالا زید ادعای شش تومان خود میکند آیا میرسد زید را شش
تومان از عمرو بگیرد و اگر زنده باشد و اگر مرده باشد میتواند از مخلفات او بگیرد
بشرط ثبوت یا نه جواب چون فرض دعوی باید که رجوع بحاکم شرع مجتهد
جامع الشرایط شود تا قطع دعوی نماید والله هو العالم سؤال معنی عدالت
را بیان فرمایند و عدد گناه کبیره برای آن صاحبی ام چند است برای خدا
مفصلا تعلیم فرمایند جواب علمای اسلام اختلاف کرده در اصل حقیقت
عدالت بعضی برآنند که عدالت عبارتست از اسلام و ایمان با عدم ظهور
فسق و بعضی برآنند که عدالت عبارتست از اسلام و ایمان با حسن ظاهر

واین هم وقول ضعیف است واکثر برآنند که صغیره است در نفس که مانع است
از اصرار کبایر واصغار و منافات واین موقوف است ولیکن شرطیت ترک
منافیات مروت علی الاقرب ولیکن احوط است والقاعده کبایر کلام علمای اسلام
وآیات واخبار در میان آن اختلاف دارد شاید حکمت در ابهام آنست
که از معاصی کلا تحفظ دست بردارد ومشهور برآنند که هر گناهی که وعده
آتش بر آن شده آن کبیره است واین هم ابهامی دارد بجا داعی ضبط کبایر را
بر وجه تحقیق نمیتوانم نمود بصریح بیان اراده واولی اختیار اجتناب احتیاط است
از هر گناهی که احتمال کبیره بودن آن میرود ودر کتاب اصلاح تالیف حقیر ذکر نموده
از مسائل عدالت وانکه کبایر بسیار است والله هو العالم سؤال هرگاه وصی علم
داشته باشد که از موصی دیه دارد میتواند از مال موصی بان بدهد بدون
اذن شرع یا نه جواب وصی میتواند که خود عمل کند در صورت عدم تعارض
والله هو العالم سؤال کسی باغ انگور دارد واز اهل ظلمه از برای شراب
مطالبه نماید ویقین دارد که انگور باغ را تماما شراب خواهند نمود بیع
آن صحیح است یا نه جواب احتیاج بتامل دارد واحوط ترک است سؤال
مدت سه سال میباشد که اهالی ولایت قراباغ برفاقت لشکر روس سیر
رفته از اهل شقاق وشاه سوند وحاجی علیلو وغیرهم غارت نموده

از اجناس

از اجناس ومواشی آورده‌اند وبعضی در عرض راه یا فرار آن بهم که تلف
شده بود گرفته وبعضی بقیمت از دست دیگری گرفته‌اند وحالا اکثر
آنها بطرف شده واز مواشی واولاد نتیجه مانده میخواهد که برائت ذمه
نماید ودر صاحبانش اشکال بهم رسانیده است بچه طریق که باشد باید
بصاحبان رد نمایند ویا رد مظالم نمایند ودر رد مظالم که مستحق آن داده
ومبلغ قلیل از او بگیرند وقلیلا مسلط بحب مال خود شان نمایند چه
صورت دارد جواب مال المسلمان المحقوق الدم ومال لابد باید سعی نماید که
بصاحبانش برساند هر گاه بغیر وجه شرعی از او گرفته باشند چنانچه فرض
سؤال میباشد فعدم امکان وعدم معرفت صاحبان وسعی بر وجه
معتبر شرعا باید که حکم مجهول المالک در آن منظور دارند بعضی در آن
خمس در شرع واجبست وبعضی را تصدق میتوان نمود والله هو العالم
سؤال اگر کسی مظنه کند که خودش مجتهد است واهل خبره مطلع بر خلاف او
نشود ودر هر مسئله جد وجهد کند با حظ حاصل شود بظن خود عمل کند
آیا معاقب است عند الله یا نه جواب مظنه عمل کردن محل اشکال ولیکن
هم چنین شخص تکلیف خود را بهتر میداند والله هو العالم سؤال اگر
شخصی عوام تقلید بر هیچکس نکند وخبر دار هم شود تقلید واجبست

چه صورت دارد جواب غالباً عبادات و معاملات او فاسد خواهد بود
والله هو العالم سؤال تبعیض در تقلید جایز است یا نه جواب بلی جایز است
در صورت تساوی مجتهدین در علم و ورع یا عدم ظهور ترجیح یا بعض
از او و عدم ارتباط احدی مسئلتین یا مسائل بدیگری من حیث الاصالة
والله هو العالم سؤال تقلید افضل واجبست یا نه جواب بلی واجبست والله
هو العالم سؤال اگر شخصی خود را قابل اجتهاد داند آیا اجتهاد کردن بر او
واجبست یا نه جواب هرگاه قوت اجتهاد فعلاً نداشته باشد ولیکن قوه
قریبه داشته باشد واجب نیست و هرگاه فعلیت داشته باشد احوط مراعات
وجوبست ولیکن احتمال عدم وجوب خالی از قوت نیست ولیکن شخص
مفروض تکلیف خود را بمجتهد اندازد والله هو العالم سؤال اگر شخصی استعداد
داشته باشد که اگر درس را تحصیل کند اجتهاد میتواند کرد آیا تحصیل بر او
واجبست یا نه در فرض وجوب اگر اهل و عیال داشته باشد که اگر بتحصیل رود
نفقه ایشان نمیتواند بدهد آیا کدام یک از اینها مقدم است جواب در صورت
حصول این واجب کفائی بقدر کفایت واجب نیست و لا محاله تحصیل نفقه خود
و عیال لحد اعلی بلکه شاید لازم باشد و اما در صورت عدم حصول این
واجب کفائی بقدر کفایت احتمال وجوب تحصیل بسیار قوت دارد

بلکه

بلکه حق همین است و اما ترجیحش بتحصیل نفقه محل تأمل است و کیفیت
آن بقدری که جمع بین الحقین نماید والله هو العالم سؤال آیا شخص عادل
ادعاء اجتهاد کند محض ادعای او معتبر است یا لابد از اثباتست جواب
لابد از اثباتست و محض ادعا اعتبار ندارد هو العالم سؤال آیا عدالت
چه معنی دارد و شناختن بچه طریق است جواب حق آنست که عدالت عبا
رتست از ملکه راسخه در ترک کبائر و عدم اصرار بر صغایر و احوط ترک منا
فیات مروتست و شناخته میشود بچند چیز از آنجمله حسن ظاهر است یعنی
ظاهر الصلاح بوده والله هو العالم سؤال اگر شخصی مانع زکوة شود و اعتقاد
او معلوم نشود چه صورت دارد جواب چنانچه زکوة بر او واجب شده
و نده با تمکن فاسق خواهد بود و لکن حکم بکفر او نمیتوان کرد با عدم
انکار وجوب والله هو العالم سؤال اگر کسی حروف شهادتین از مخارج
ادا نکند ولیکن اعتقاد داشته باشد چه حکم دارد جواب ظاهر اینست
که منافی ندارد والله هو العالم سؤال اگر در اعراب شهادتین تحریف
کند چه صورت دارد جواب ظاهر آنست که منافی ندارد در مقام
اظهار اسلام با اظهار شهادتین خصوصاً در صورت عدم تمکن از تصحیح
والله هو العالم سؤال اگر شخصی معنی شهادتین نداند و محض تکلم بالفاظ

آن در حکم اسلام میشود یا نه جواب حکم باسلام همچنین شخص مشکل است
بلکه ظاهر نمیشود والله هو العالم سؤال آیا تقلید در اصول دین جایز است
یا نه جواب با عدم تمکن از تحصیل علم بمظنه و تقلید درست است و اما با تمکن
از تحصیل علم مشهور ما بین علما عدم جواز تقلید است و این قول اقوی است
والله هو العالم سؤال اگر شخصی درهمی در کنار شهر ولیکن قریب
بقلعه باشد در آنجا معمور نباشد زیاده از درهم یافته باشد حلال است
یا حکم لقطه باو جاری است بر فرض آنکه در حکم لقطه باشد چند سال از آن
زمان گذشته باشد چه طور کند جواب اگر چیزی را در صحرا بیابد و مالک
کش را نشناسد بر نیت مالک می باشد والله هو العالم سؤال اگر شخصی چند
سال نماز اجاره گذاشته است و بعد از مدت مدیدی شک کند که رکوع
و سجود درست بعمل آورده است یا نه چه صورت دارد اعاده لازم است
یا نه جواب شک آن محل اعتباری نیست و التفات باو واجب نیست والله
هو العالم سؤال اگر کسی در قنوت نماز عجمی غلط کرده در کلمه یا در
حروف یا در اعراب نماز او باطل است یا نه جواب در آن کار مستحب لحن او
غلط در حروف و اعراب باعث فساد نمیشود والله هو العالم سؤال هرگاه
زید نقد بعمرو دهد که بعنوان مضاربه کار بکند و بعد از آن قدری جنس

قلری هم

بعامل

بعامل دهد که از آنها فروخته و جدا و را بعنوان سال سابق بمضاربه عمل کند
آیا بجهتی که از مال و اجناس بهم رسد و مالک را میرسد یا تمام مال آن بیع
مال العامل است تکلیف کند در فروختن مال او بگوید که بعد از فروختن توان
جانب من وکیلی که با خودت بنای مضاربه بگذاری و صیغه مضاربه بخوانی
سازی جواب هرگاه این عامل معنی را بعمل آورد مستحق نفع مشروط در ضمن عقد
مضاربه خواهد بود و هرگاه مضاربه شرعیه متحقق شده باشد ثمن مبیع تماما
از شخص مالک است هرگاه راضی بفروختن او باشد والله هو العالم سؤال هر
گاه شخصی تنخواهی بفرستد نزد شخصی دیگر که بجهت او بفروشد و چنان مظنه دارد
صاحب مال که از راه دوستی آن شخص حق السعی فروش خود را نمیدارد و شخص
فروشنده حق السعی خود را بر دارد و اظهار نکند که من حق السعی برداشتم چه
صورت دارد جواب شخص عامل هرگاه شارع در عمل نموده و عمل او
عادة اجرتی دارد مستحق اجرت خواهد بود والله هو العالم سؤال هرگاه
شخصی مال التجاره زید شده بجهت او و حق السعی زید را از اضافه نموده از مایه
تفصیل نماید و خواهد برفق المال بفروشد و نفع اضافه بر خرید آیا از جهت
که اظهار بمشتری نماید که این تنخواه حق السعی با او اضافه یا آنکه ضرور اظهار
این معنی نیست و شخص مشتری هرگاه صاحب مال اظهار نکند بخود اطرش

میرسد که همین سرمایه است بدون تحق سعی **جواب** بشخص فروشنده لازم است که
نفس الامر واقع را بگوید و کذب نگوید والله هو العالم **سؤال** هرگاه شخصی خودش
در ولایتی توطن ندارد نهایت پدر آن شخص در آن ولایت بشود و قصد اقامه نکند
واجبست قصر کند یا اتمام **جواب** باید ولد قصر کند والله هو العالم **سؤال** هرگاه
شخصی خانه را برسم رهن در نزد شخصی بوعده شش ماه بمبلغ معینی گذاشته
و آن تنخواه برسم قرض الحسنه داده و موعدی که قرار داده بودند منقضی شده
و آن خانه مذکوره را صاحب تنخواه میتواند بفروشد بی اذن صاحب یا خیر
جواب چنانچه مرتهن وکیل بوده از جانب راهن در فروختن راهن از برای
استیفای دین خود میتواند مرتهن بفروشد خانه را حق خود را استیفا نماید
و هرگاه وکیل نبوده چنانچه ظاهر فرض سؤال است احوط آنست که اذن بگیرد از صاحب
و هرگاه ممکن نباشد رجوع کند بمجتهد جامع الشرایط و اثبات حق خود را
بدین و رهن کند یا آنکه او شاید اذن در فروختن دهد والله هو العالم
سؤال هرگاه زید مقوازنه ولسته نمد فروخت بعمر بمبلغ چهار صد قروش
رایج المعامله بغداد از قرار دانه دو قروش و وجه مبایعه را نقدا اخذ
نموده و بایع در ضمن مبایعه بجهت خاطرجمعی مشتری از زمان البیع وعده
نموده که این مال بعد از چند وقت ترقی مینماید من از تو میخرم دانه دو
قروش

قروش ربع بعد از چند وقت جنس مذکور ترقی نموده بایع بنا بوعده خود
همان جنس را از عمر خریده از قرار دانه دو قروش ربع بمبلغ چهار صد
پنجاه قروش رایج بغداد و وجه او را عمر مدیون شده آیا این مبایعه بطریق
مذکور صحیح است یا باطل **جواب** چونکه در این معامله قرض رایج بغداد
شده و آنچه فهمیده آنست که رایج حقیقت معینه ندارد و ابهام دارد
پس بناء علیه معامله فاسد خواهد بود والله هو العالم **سؤال** و دیگر
همان زید مذکور بعضی اجناس متفرقه بهمان عمر مذکور فروخته دین
خود را از آن محسوب داشته بان زید مذکور همین اجناس را از عمر
خریده بمبلغ معینی بریال فتحعلی شاهی معین الوزن بوعده یکسال بقیمت
علاوه تر از آنکه خود فروخته بود قدری نقد تقدیم از عمر گرفته و تتمه
داده بعد از مدت وجه اجناس و مع وجه قرض الحسنه کلا مطالبه مینماید
آیا این معامله ثانی چه صورت دارد **جواب** در این معامله چونکه
قرض تعیین ثمن شده چونکه بریال فتحعلی شاهی معین میباشد وجهی از
برای فساد آن بنظر نمیرسد والله هو العالم **سؤال** دیگر آنکه بعد از
مدت یکسال زید مذکور ادای وجه مذکور را عاجز مانده و بعضا وقت
ملکی بعمر فروخته بقیمت مشخصه معینی و وجه مال بعوض طلب عمر از او

محسوب داشته وجه این معامله بر پال فتحعلیشاهی شده جواب در این معامله
هم وجه فسادی بنظر نرسید والله هو العالم سؤال چه میفرمایند که عقد
نکاح و مزاوجت بچه لفظ از ایجاب و قبول واقع میشود و در این اجرای عقد
تصریح وکیلین باسم هر یک از زوجین لازم است یا نه و همچنین ذکر مهر وجوب
دارد یا نه و بچه لفظی که امر زوجیت و زن شوهری متحقق میشود ایجابا
و قبولا معنی آنها بفارسی نیز بیان فرمایند و دیگر بیان فرمایند که در اخذ
مطلق مسائل نوشته حاکم شرع کافیست و مکلف بمدلول آن نوشته میتواند
عمل کند یا اینکه شخص مکلف خود می باید مسئله از او بیواسطه یا بواسطه عادل
اخذ کند و فرا گیرد و دیگر بیان فرمایند که تعیین وکیل احتیاج بصیغه مخصوصه
دارد یا به هر نوع و هر قسم که وکیل کند زید عمرو را از قبیل اینکه تو وکیلی
یا اختیار داری و امثال اینها کافی نیست جواب عقد نکاح واقع میشود
بالفاظ زوجتک نفسی و انکحتک نفسی و متعتک نفسی [illegible] زوجیت
و قبول بلفظ قبلت واقع میشود و ذکر اسم زوجین در این عقد لازم نیست
و همچنین تصریح بخصوص مهر لازم نیست بلکه معهودیت هر دو کافی میباشد
و مجزی میباشد در اخذ مسائل از مجتهد جامع الشرایط اخذ از نوشته او با
اعتبار عدد و توکیل لازم نیست صیغه مخصوصه بلکه هر عبارت که دلالت

کند

کند بنیابت کافیست بلکه مطلق فعل دال بر او کافیست والله هو العالم سؤال هرگاه
از کسی مکرر زنا و عهد و یمین صادر شود که فلان زن را بعقد خود در نیاورد
در این صورت مؤبدا حرام خواهد بود یا اینکه اگر زن را بحباله عقد خود در
آورد و عقد مذبور صحیح خواهد بود و بعقد مذبور زنا و عهد و یمین منحل میشود
و کفاره لازم میشود یا نه جواب حکم بحرمت مؤبد بحیثیتی که عقد او صحیح نباشد
احتیاج بتامل دارد و در این باب مراعات بسیار بجا است والله هو العالم
سؤال آیا زن زانیه بلا مانع بر زانی حرام است مؤبدا یا جایز است که زانی شرعا
او را بحباله خود در آورد و عقد او صحیح خواهد بود یا نه جواب بمجرد زنا
منشاء تحریم نمیشود بلکه زن زانیه را میتواند که بگیرد بعقد شرعی والله هو العالم
سؤال شئ مجهول الوزن را با امکان کیل و وزن میتوان معامله کرد یا نه جواب
احوط کشیدن است و لیکن اقرب عدم لزوم است و صحت معامله است والله
هو العالم سؤال کناسی بول و غایط انسان را با خاکستر مغشوش کرده در جائی
ریخته مدت دو سه ماه هم باران بر آن میزند و هم آفتاب و هم بول بر آن واقع
شود و رنگ آن نجاست در اول سیاه بود و حال هم سیاه هست بر ما معلوم
نیست که استحاله شده و بنا بر این طاهر شده یا بر نجاست باقیست و کسی که حکم
در یاد داشته افتاده در گل پای او طاهر یا نه حالا چند گام رفته و بعد در گل نجس

که عرض شد و بعد در کل ظاهر قدری رفته و بعد رطوبتی در توی چکمه بپای او رسیده
آیا پای آنکس طاهر است یا نجس **جواب** هرگاه محلی که مکلف نجس شد و بعد شکی حاصل شد
بر طهارت بجا است بنا بر نجاست او میگذارد ولیکن هرگاه چیز تری بآن برسد
حکم نمیشود بنجاست او بلکه باقیست بر طهارت ولیکن مراعات احتیاط اولی است
هرگاه رطوبتی برسد و معلوم نباشد که آن رطوبت پاک بوده یا نجس حکم ببقاء
بر طهارت بالنسبة بملاقی کرده میشود والله هو العالم **سؤال** چه میفرمایند
در زوجی که صاحب زوجه باشد در حال اختیار و صحت بدن نسبت بخدا بگوید
ای خدا تو زمین بیفتی یا بیچاره شوی آیا بگفتن همچه عبارات ضعیفه مرده
میشود میان زوج و زوجه بجهت گفتن این کلام **جواب** هرگاه چیز قصد نکرده باشد
همان ظاهر لفظ را قصد کند کافر میشود والله هو العالم **سؤال** چه میفرمایند
در تابنجیه که در دار المرز مازندران مشهور است و آن بطریقیست که اولا
عصیر عنبی را بغلیان می آورند تا ذهاب ثلثین روی دهد و بعد از آن عنب
جدید داخل آن میکنند و آن قدر میجوشانند که ذهاب ثلثین از آبی که در جوش
آن عنب است روی دهد آیا خوردن آن جایز است یا نه و دیگر اگر اجناس
ظاهر مثل انجیر و به و غیره قبل از ذهاب ثلثین داخل عصیر میکنند و بعد از
ذهاب ثلثین داخل عصیر کرده و جوشانیده تا ذهاب ثلثین آب انگور ها شده

مانعی

مانعی ندارد و حلال خواهد بود و اما جواب مسئله ثانیه هرگاه اشیاء مذکوره
را قبل از ذهاب ثلثین ریخته و جوشانیده تا ذهاب ثلثین شده احوط عدم
استعمال عصیر مفروض است والله سبحانه هو العالم **سؤال** چه میفرمایند
زید دختر خود را بعمرو داده است و در ضمن عقد شرط نموده که از بلده بیرون
نبرد آیا صحیح است یا نه و نمیتواند بیرون ببرد آیا هم چنین اگر دختر
راضی باشد که بیرون ببرد آیا راضی شدن دختر شرط است یا رضای دختر و
پدر دختر **جواب** احوط بلکه لازم است وفا بشرط مفروض که در ضمن عقد
واقع شده برضای زوجه و ولی الله اشهر هرگاه زوجه راضی شود بمخالفت شرط
شرط جایز است مخالفت والله هو العالم **سؤال** چه میفرمایند که ضعیفه بوده
یا شوهر خود را شیر بدهد آیا نشر حرمت زوجیت میشود **جواب** احوط نشر
حرمت است ولیکن حکم به نشر محتاج بتامل است والله هو العالم **س**
آیا سنگ تلکی و سنگهای که فرش حمام و روضه مبارکه است میتوان تیمم
کرد یا معدن است و نمیتوان **جواب** این مسئله از جمله مواضع غامضه است هرگاه
خود آن شخص دانست معدنی است باشد در هر صورت تیمم نکند و هرگاه دانست
که معدنی نیست باشد تیمم نکند باید و هرگاه شک کرد احوط ترک تیمم است
والله هو العالم **سؤال** هرگاه شخصی در عتبات باشد و حج بهم رسانیده

و می‌رسد که اینجا بماند و معاش مدار که ذارش نمیشود و والده اش مانع
میشود از رفتن آیا میتواند آیا میتواند بحرف والده اش گوش نکند یا نه

جواب هرگاه مدارش نکنند برود از برای تحصیل معاش والله هو العالم

سؤال هرگاه رؤیت هلال ماه رمضان نشود بسبب علتی مثل غباری تجاری
یا ابری و غیر اینها و شاهد عدل و نفر از اهل بلد مقبولست یا نه جواب هرگاه دو
نفر شاهد عادل شهادت برؤیت هلال بدهند شهادت ایشان مقبولست
والله هو العالم سؤال کسانیکه رؤیت هلال کردند و در نزد مجتهدین علما
و فضلا شهادت بدهند و بر ایشان ثابت شود آیا میشود کسانیکه در اطراف
و اکناف نشسته‌اند بطریقه ایشان عمل کنند بدون آنکه کسانیکه رؤیت
هلال کردند و در نزد مجتهدین علما و فضلا شهادت بدهند و بر ایشان
ثابت شود آیا میشود کسانیکه در اطراف و اکناف نشسته‌اند بطریقه
ایشان عمل کنند بدون آنکه کسانیکه رؤیت هلال کردند ببینند و از
ایشان احوال بپرسند که تا حقیقت ایشان معلوم کرد یا نه جواب
کسیکه تقلید مجتهد جامع الشرایط بکند و رؤیت هلال نزد مجتهدش
ثابت شده باشد و او حکم کند بمجرد این میتواند خورد و هو العالم س ضعیفه
وصیت کرد که ثلث اموال مرا بمصارف خاصه از برای عمر برسانید و برادر

زاده

زاده خود را وصی کرد بعد از وصیت معلوم کرد که ثلث مال او بآنچه وصیت
نموده است وفا نمیکند و در این حال فی الجمله ناخوشی بآن ضعیفه عارض
میشود و در اینوقت مجموع مشاعر او برجا است مجموع اموال خود را بمصالحه
جزئی بهمان برادر زاده خود منتقل مینماید و فوت میشود آیا وصیت
صحیحست یا مصالحه که در ثانی شده است صحت و فساد با وصیت مصالحه
را تعلیم فرمایید جواب مسئله محل خلافست بعضی برآنند که مصالحه نامه
صحیحست و از آنجمله جناب والد مرحوم است اعلی الله تعالی مقامه و
بعضی برآنند که مصالحه نامه صحیحست و بعضی برآنند که نفاذ از ثلث با
عدم امضاء ورثه فاسد و حقیر را در این باب مذهبی نیست بغیر آنکه احتیاط
را منظور میدارم مهما امکن والله هو العالم سؤال ما المجهول المالک حکم
لقطه است یا نه جواب بعد از تعریف سنه او را تصدق میکنیم والله هو
العالم سؤال در خصوص اینکه زید وقف کرد مثلا سه قریه بر اولاد
عمرو بدون قید ذکور و اناث اولا بیان بفرمایید که ذکر اولاد مطلق شامل
ذکور و اناث هست یا نه و بر فرض شمول آیا در میان ذکور و اناث
بالسویه قسمت میشود یا نه و ثانیا بیان بفرمایید آیا با وجود بودن
طبقات لطبقه ثانی هم قسمت دارند یا نه بر فرض داشتن قسمت فیما

بین طبقه اول وطبقه ثانی چه نوع قسمت خواهد شد بیان فرمایند جواب هرگاه
عبارت وقف وقف بر اولاد باشد شامل خواهد بود ذکور واناث وطبقه اولی
وثانیه وثالثه وهکذا وفیمابین ایشان بالسویه باید قسمت شود وچنانچه
هرگاه شرط ذکوریت یا ترتیب نموده باید که مراعات شرط در ضمن عقد وقف
شود والله هو العالم سؤال حقیر قدری ملک دارم که منافع آن صرف معاش
اهل وعیالم میشود اما اگر آن ملک را بفروشم خرجی سفر مکه معظمه ونفقه
یکساله عیالم میشود آیا در اینصورت مکلف بفروختن ملک ورفتن بمکه
هستم یا نه وبغیر از این هم قادر بر عملی که گذرانم بشود نیستم بیان فرمایند جواب
هرگاه ثمن ملک مذکور بنحوی باشد که خرج رفتن بمکه معظمه وبرگشتن و
نفقه عیال واجب النفقه وچیزی بماند که کفایت او نماید بحیثیتی که مضطر
در شدت وپریشانی نشود حج بر او لازم است مجملا داعی رجوع بکفایت
را شرط میدانم در وجوب حج والله هو العالم سؤال هرگاه زید یکقطعه از
باغی که مشجر بوده وقف بر فقرا نموده وحال باغ مذکور خراب وبایر
افتاده ونفعی بفقرا نمیرسد وظاهر نه که تا سالی مبلغ ها نفع کلی دارد در
جنب آن باغ میباشد که میخ و شده آیا متولی وقف میتواند که آن
قطعه باغ خراب را بفروشد وبعوض آن باغ دیگر بخرد و وقف بفقرا نماید

هو العالم

هو العالم سؤال در خصوص اینکه بقدر احتیاج از فرش وظروف ومس واثاث
البیت وسایر مایحتاج دارم وبجهت مهمان که گاهی حاضر میشود وامثال و
اقران که تر بین نگاه داشتن این قسمها را بر اقتضای زی وتکلیف شرعی خود
میدانند اما از این قبیل اجناس خمس تعلق میگیرد یا نه جواب هرگاه این
اجناس از ارث یا بخشش عاید شما شده مجملا از ارباح تجارات نباشد یا
از ارباح که خمس آنها داده شده باشد خمس در آن واجب نیست والله هو العالم
سؤال املاکی داشته ام مشاع در میان چند نفر برادر بزرگ بود وکمترین
را مباشر بعضی از آن املاک ساخته ومحصول را برات میکرد وعلم دارم که
زکوة این محصول را نمیداد ومن هم نفهمیده بودم که زکوة باید داد وحال
باید زکوة متعلقه بمحصول سابق را از حصه خود بدهم یا نه وبر فرض لزوم
دادن ابهام واجمالی در مقدار آنها هست ویقین آن در کمال صعوبت است
آیا چکنم که برائت ذمه حاصل شود جواب هرگاه تفریط در دادن زکوة واجب
شده باشد باید عوض داده شود واحتیاط آنقدر داده شود که یقین کند
که در ذمه چیزی نیست هو العالم سؤال دعا یا چند دارم که زکوة بمحصول
اینها تعلق میگیرد وایشان دعا نموده آن تحاشی دارند وهو عظم هم
باینها تاثیر میکند وبهیج قسم نمیتوان گرفت مگر تسلط عرفی یا کمترین

میتوانم شرعا زکوة غلات ایشان را گرفته بمستحقین یا مجتهد جامع الشرایط
برسانم یا نه جواب بر جناب امر بمعروف و نهی از منکر واجبست و واجبست
که ایشان را وا دارید بر دادن زکوة واجب اگرچه بزور عرفی باشد هو العالم
سؤال شخصی دختری را بعقد خود در آورده و در شب زفاف که تصرف
کرده باکره نبوده و آن شخص آن عیب را پنهان کرده و حال مدتی از این معامله
گذشته و اولاد از آن زن بهم رسیده بیان فرمایند از باب اولاد نقصی هست
یا نه و از برای حق و مهر آن چه صورت دارد و چه باید کرد جواب اما حق
و مهر محل تأمل است و در اولاد نقصی بنظر نمی آید هو العالم س
هرگاه شخصی زمینی را که وقف اولاد باشد از موقوف علیه اجاره نماید
بعد از اجاره در آن زمین بنای عمارت بگذارد و بعد از آن خانه را بید
بکری بفروشد و در بین مبایعه اسم وقفیت زمین و اجاره مذکور نشود
و مشتری هم عالم بوقفیت آن زمین باشد آیا والحال هذه والمبایعه صحیحه
زمین وقف در عرض مدت اجاره تابع اعیان بوده و متعلق بمشتری خانه
خواهد بود یا متعلق بمستأجر بایع خواهد بود و بعد از مبایعه آیا بایع را
خواهد رسید که دخل و تصرف در زمین بقدر حقوق اجاره نماید یا بمحض
مبایعه سلب حقوق او شده نخواهد بود جواب بعد از اطلاع مشتری که بایع

بوقفیت

بوقفیت زمین بی اشکال زمین داخل بیع نخواهد شد و بیع صحیح بالنسبه
ببنا و اجزاء مملوکه و اما استحقاق مشتری منافع زمین مستقلا تابع را خالی
از اشکال نیست والله هو العالم سؤال زید با عمرو ادعای مینموده و باتفاق
نزد حاکم شرع رفته اند و زید از ثبوت ادعا عاجز و اعتراف بعجز نموده
و مدعی علیه را بر ضا نیست نزد حاکم شرع مجتهد جامع الشرایط قسم داده
الحال بعد از آنکه مدعی علیه را بطریق مذکور قسم داده میتواند که دیگر
باره تجدید ادعا از همان بابت نماید و اقامه بینه کند و شهادت
شهودی که بعد از قسم ادای شهادت مینماید مسموع است یا نه
آنچه حکم جناب باری هست بیان نمائید جواب بعد از آنکه ترافع اتفاق
افتاده در خدمت مجتهد جامع الشرایط و او حکم کرد بقانون شریعت غرا
و قطع دعوای را نموده دیگر عود در دعوای و اقامه شهود اعتباری ندارد
والله هو العالم سؤال هرگاه زید دختری را متعه کند و بخواهد بکارت او را
نبرد میتواند وطی در دبر او بکند یا نه جواب بلی میتواند ولیکن اولی ترک است
والله هو العالم سؤال هرگاه زید با زن خود جماع کند بقصد اجنبی دیگر
یا زن دیگر آیا جایز است جواب حرمت آن بر داعی معلوم نشد و احتمال
جواز در غایت قوت است والله هو العالم سؤال هرگاه زید دو زن

داشته باشد در حضور دیگری یا دیگری جمع جماع کند جایز است
یا نه جواب در صورتیکه مستلزم محرم نباشد فی حد ذاته مانعی ندارد
والله هو العالم سؤال هرگاه زید ودیعه نزد عمر گذارد و عمر میخواهد
بسفر برود و زید حاضر نبوده باشد عمر چکند جواب با عدم اذن مودع
احوط ترکست بلکه واجبست هرگاه حفظ امانت موقوف بر آن باشد
والله هو العالم سؤال هرگاه زید ودیعه نزد عمر گذارد و بعمر بگوید
که هرگاه بسفر میروی ودیعه مرا همراه ببر و الحال که عمر بسفر میرود همراه
ضرر از برای ودیعه مذکوره میدهد با وجود این آیا ودیعه را همراه
ببرد یا نه جواب مجرد احتمال ضرر منع سفر نمیکند بلی هرگاه ظن تلف
باشد لازم است که با خود دارد والله هو العالم سؤال هرگاه ملک مفتوح
العنوه حاکم عرف جبراً و قهراً حق امام را بگیرد آیا ذمه زارع بری میشود
یا نه جواب ظاهر آنست که بری الذمه میشود در وقتیکه جابر سلطانی
مخالف باشد بلکه دور نیست برائت مطلقا والله هو العالم س هرگاه
زید نایب عمر میشود که بجهت عمر عبادتی بعمل آورد باینطریق که میشود
بنا بر اینکه آن عبادت بجهت منوب عنه بعمل آورد آیا عمر میتواند
که آن عبادت را در ولایت دیگر بعمل آورد یا نه و این در مخالفیت

که شرط

که شرط نشده است فیمابین نایب و منوب عنه جواب چنانچه عمل آوردن عبادت
در بلده دیگر منافات با شرط و مستلزم حرام نباشد مانعی ندارد بعملا آن معصیات
فلوازم شرعیه اجاره نیست بعمل نیاوردن عبادت در بلده دیگر والله هو
العالم سؤال هرگاه زید با عمر ملاعبه کرده باینطریق که زید ذکور را با اطفالی آدم
عمر مالیده بدون انزال یا با انزال آیا عمر میتواند که خواهر زید را بگیرد
و معروض اینست که از دو پدرند و یک مادر یا بعکس جواب چنانچه دخول
حشفه در دبر اتفاق نیفتاده ولو جزء از آن تزویج معروضه صحیح است
والله هو العالم سؤال زید دختر خود را بنکاح پسر عمرو داد و در عمر یک
دانگ خانه را از مال خود جهت صداق زوجه و مشار الیه نموده بعد از تصرف
پسر زوجه عمر را جمع بخانه خود آیا میرسد والد را که استرجاع خانه
مرقومه را نماید یا در عوض صداقت با قیمت حبه مزبوره جمع بخانه زوجه
میرسد که ادعای قیمت خانه را از زوج نماید یا بمهر المثل برمیگردد ج
چنانچه عمر خانه معروضه را بطریق شرعی صداق زوجه پسر خود قرار داده و مال
او کرده و غیر رسد که او را که بدون سبب شرعی استرداد او نماید و چنانچه
فیمابین منازعه باشد باید در خدمت مجتهد العصر جامع الشرایط
قطع نماید والله هو العالم سؤال هرگاه ده عدد اشرفی را باد و از ده عدد

اشرفی و یا ده عدد ریال را باده و ازده ریال بوعده یکسال بعنوان مصالحه معامله
نمایند صحیح است یا فاسد جواب در صلح نقدین قبض مجلس شرط نیست علی الاقرب
ولیکن احوط مراعات عدم حصول ربا است پس معامله معروضه از جهت
اشتمالش بر ربا محل اشکالست و الا از جهت عدم قبض مجلس صحیحست والله هو
العالم سؤال ده عدد اشرفی را به سیصد ریال و یا ده عدد ریال را بدوازده اشرفی
بعنوان مصالحه معامله نمایند صحیحست یا نه و بنا بر صحت طریقه صیغه شرعی
او را بیان فرمایند جواب چنین مصالحه بنا بر اقرب جایز است و کافیست در صیغه
مصالحه صالحتك هكذا و صیغه غیر عربی نزد داعی جایز است اگرچه ترکی و هندی
باشد والله هو العالم سؤال هرگاه شخصی خواهد که رد مظالم بدهد خودش
میتواند و یا باید بفقیه جامع الشرایط برساند و در صورت تعذر فقیه چه
نحو باید بکند و کدام یکی از طالب علم و سادات و عوام الناس احق اند هرگاه بطلبه
بدهد در عوض آن برای صاحبش قرآن خواندن یا روزه لازم است یا نه سؤال
رد مظالم التماس است آنچه در آن خمس واجبست آنچه سهم امام علیه السلام میباشد
باید بمجتهد جامع الشرایط برساند و تتمه را خود اختیار دارد و آنچه از باب صدقه
واجبست خود میتواند که بفقیر بدهد و احوط آنست که بسادات ندهد و اگر حقیقت
کسی از عوام بنظر نمیرسد و در عوض قرآن خواندن یا روزه داشتن واجب نیست

والله

والله هو العالم سؤال چاقوئی فرنگی که قبضه اش از استخوان مجهول الحالست
در حالت نماز نزد مصلی بودن چه صورت دارد جواب احوط اجتناب است لیکن
اقرب جواز است والله هو العالم سؤال هرگاه قبضه اش صدف باشد چه طور است
جواب هرگاه صدف باشد ضرر ندارد والله هو العالم سؤال زنا یا زن در اثنای
عده موجب حرمت میشود جواب ظاهر آنست که میشود هو العالم سؤال
تصرفات منجزه مریض از قبیل هبه و غیرها از ثلث است یا از اصل مال جواب
مسئله محل خلافست و داعی را قول محقق در آن نیست و احتیاط را مهما امکن
منظور میدارم والله هو العالم سؤال هرگاه بنا العلم موازی یک رأس جاموس
ابتیاع نموده باشد و نتاج بسیار و منافع بیشمار از او بعمل و حصول آید و بعد از
آن بدانکه این بیع فاسد است در اینصورت جاموس مذبور با نتایج و منافع
بصاحب مال میرسد یا بصاحب جاموس و با تعذر و فقدان آنها چه باید کرد
جواب بصاحب جاموس میرسد و با تعذر رسیدن بآن و جهل حکم مال مجهول
المالک منظور است سؤال عباهائیکه در اصفهان مینمایند راه راه که یک
راه مثلا بمقدار یک شبر حریر محض است و یک راه هم بآن مقدار مخلوط بریسمانست
بعض طاقش هم حریر محض است و بعد راه دیگر ریسمان محض است یا نه
در آن عباها چه صورت دارد جواب هر وقت عباء منسوج ممزوج باشد

بحریر ممزوج باشد بحیثیتی که اورا حریر محض نگویند جایز است از برای مرد
پوشیدن آن و نماز گذاردن در آن و فرقی نیست در جواز نماز در آن بین آنکه
حریر آن بیشتر باشد یا کمتر باشد یا مساوی و ظاهر آنچه فرض شده حریر محض نگویند
پس نماز در آن جایز نمیباشد والله هو العالم سؤال میراث زوجه از زوج
متوفی چه چیز است و از چه چیز نیست جواب زوجه خواه ذات ولد باشد و خواه
غیر ذات ولد از زمین مطلقا چیزی نمیبرد عینا و نه قیمتا و از ابنیه و آلات
بنا و نخیل و اشجار قیمت میبرد نه عین و از سایر چیزهای دیگر مثل اثاث البیت
عین او میبرد نه قیمت هو العالم سؤال هرگاه آب انبار وقفی را متولی
که مجتهد نباشد بجهة مصلحت فروخته باشد تصرف مشتری جایز است یا نه
جواب در بعضی صور مثل آنکه از جانب مجتهد جامع الشرایط وکیل و مأذون
بوده جایز است هرگاه آن مصلحت شرعا مجوز بیع باشد و الا فلا و هرگاه من
قبل نفسه کرده اقرب عدم صحت معامله او است هو العالم سؤال هرگاه باغی
را کسی وقف نموده که منافع او را اولاد ذکورش منتفع شوند و عین باقی باشد
و حال بعلت بسیاری وراث خلاف و نفاق باشد بیکنفر از وراث یا بغیر میتوانند
بفروشند جواب مسئله محل اشکال است و هنوز بر داعی جواز بیع در صورت
مفروضه ثابت نشده هو العالم سؤال چه میفرمایند که زید صد قروش در

ذمه اش

ذمه اش مال الامام ع و آن شخص مدیون پنجاه قروش دیگر از عمرو طلب دارد
و آن مرده است در عین آن و مالش موجود است و زید مدیون خمس
را با آن پنجاه قروش غایب بسادات داده باذن وکیل مجتهد عصر و آنها
هم قبول نموده آیا زید مذکور بری الذمه میشود یا نه جواب چنانچه
خمس تعلق بذمه زید گرفته باشد همچنانکه ظاهر فرض سؤال است میتواند
جنس و نقد در برائت ذمه خود بدهد پس آنچه بسادات بطریقه شرع انور
رسیده است بری الذمه خواهد بود و اما آنچه غایب است محض قبول
سادات مال ایشان نمیشود و شخص مدیون بمحض بری الذمه نمیشود
والله هو العالم سؤال هرگاه کسی بشارع تنگ عبور درا بجهة مصلحت
آنکه کشاده تر شود و تردد آسانتر باشد یا از ملکی که از املاک خودش
باشد و کشاده تر باشد و کوچه هم راست شود خواهد معاوضه نماید
جایز است یا نه جواب هرگاه شارع سلطانی و بام بست مثلا باشد و برای او
میافزاید از ملک خود منافی ندارد اما هرگاه خواسته باشد که معاوضه
نماید شارع را بملک و اسم جواز آن بنظر نرسید بلکه اقرب عدم جواز است
در خصوص اینکه زید املاکی را وقف کرد از برای اولاد عمرو بر
اولاد اناث چیزی از آن موقوفات نمیدادند بیان فرمایند که آیا بر اولاد

اناث چیزی می باید داد یا نه واملاک مذکور قسمت قدیمی می باشد یا نه قسمت
را میتوان برهم زد یا نه و وقف نامچه هم در دست نداریم بیان فرمایند جواب
هرگاه معلوم باشد که املاک مذکوره وقف شده بر اولاد عمرو داخل میشود ذکور
و اناث در معنی اولاد پس باید به اولاد اناث رسد و مجرد نداده در سابق حجت
شرعیه نمیباشد و وقف قبل قسمت نمیباشد هو العالم س در خصوص اینکه
زکوة و فطریه پدر به پسر هم طالب علم میباشد و پدر اینقدر استطاعت ندارد
که متحمل اخراجات پسر شود بیان فرمایند جواب احوط آنست که پدر زکوة خود
را به پسرش ندهد ولکن زکوة غیر را میتوان داد بان پسر هرگاه مجمع شرایط
استحقاق زکوة باشد والله هو العالم س در اینکه هرگاه کنیزی بدون رضا
مالک تمکین بمواقعه دهد و بعد از وقوع مواقعه از او طفلی بعمل آید آیا حرام
زاده است یا نه و بر تقدیر اول حرام زاده بجنس العیب است یا نه و علی کلا
التقدیرین آیا بیع او صحیح است یا نه و بر تقدیر اول آیا بعد از اطلاع مشتری
باین که احتیاط اجتناب از حرام زاده است خروجا عن شبهة الخلاف قادر بر فسخ
هست یا نه و این عیب است یا نه بیان فرمایند جواب هرگاه فاعل و مفعول هر دو
عالم بحرمت و مختار اعمل شنیع را بجا آورده اند بلا اشکال آن طفل حرام زاده است
در صورتی که مالک راضی باین عمل فیما بعد نشود ولما نجاست حرام زاده

محل خلاف است و بر دعوی ثابت نشده ولکن مراعات احتیاط اولی میباشد و نیز
بر دعوی صحت بیع آن طفل ثابت نشده والله هو العالم س خانه خود را زید
نزد عمرو برهن گذارده بدون اطلاع عمرو بدیگری فروخته است آیا این بیع
صحیح است یا باطل قلمی فرمایند ج در صورتی که عمرو مرتهن راضی نشود
بیع مذکور فاسد است هو العالم س آیا خمس را کسی نمیداند که چگونه
باید داد و چگونه واجب میشود همین قدر فهمیده که واجب است و بکسانی که
مشهور بسیادت هستند باید داد و نصف آن که رسد امام علیه السلام مقدم است
و داده و بعد تدریج رسد امام علیه السلام داد آیا این نوع خمس دادن جایز بوده
یا نه ج خمس از جمله عبادات است مثل نماز پس هرگاه خمس داده شرع بر خلاف
شرع بوده و مقصر باشد شخص جاهل [عامل] باید اعاده نماید هو العالم س از
فواکه آنچه آب جوشیده شود آیا باید ثلثان سوخته یا نه ج لازم نیست
ذهاب ثلثین در آب فواکه غیر انگور و مویز والله هو العالم س آیا سرمه
چوب که بچشم کشند و رنگ آن بچشم اثر باقی بماند ضرر بوضو دارد یا نه
جواب هرگاه جسم مانع از رسیدن آب رفع شده باشد مجرد رنگ مانعی
ندارد والله هو العالم س زید متوقف وصیت نموده که مال او را بعد از فوت
من صرف فقرا و سادات نمایند و متوقف ننمائید بجهت آنکه این اموال

کمتر از ثلث هم است و دو ثلث بیشتر در دست ورثه است آیا وصی را
میرسد که حساب نکرده اموال مذبوره را صرف مصارف معینه نماید و موصی
را تصدیق کند یا باید صبری نماید وصیت را تا خیر بیندازند و بر فرض جواز
صرف و عدم جواز تاخیر اگر بعد از حساب بیشتر از ثلث شده باشد چه حکم
دارد ج لازم نیست بر وصی که صبر نماید و میرسد که او را صرف نماید در
مصرفی که موصی وصیت نموده است و هرگاه بعد از صرف معلوم شد که زیاده
از ثلث مصرف رسیده ورثه را میتوانند زاید را نشده استرداد نمایند از
اشخاصی که بایشان داده و هرگاه ممکن نباشد احتیاط وصی غرامت آنکشد
بلکه وجوب او خالی از قوت نیست والله هو العالم س شخصی مثلا بقدر
بیست تومان پول بطریق معامله از زید گرفته و با پول خود مخلوط نموده
بعد معلوم شد که زید مذکور خمس نمیدهد آیا در این صورت این شخص مفروض
چه کند و هرگاه قبل از گرفتن پول علم داشت یا مظنه داشت که خمس نمیدهد
چه کند و هرگاه کسی مظنه کند که زید خمس نمیدهد آیا معامله کردن با او
صورت دارد و هرگاه مظنه کند که گندم گرفته زکوة نمیدهد آیا این شخص
زکوة گندم را باید بدهد یا نه ج هرگاه آنچه گرفته از زید یا میگیرد نقد
کرده یعنی آن خمس یا زکوة است مانعی ندارد و میتواند در آن تصرف نموده

وبظاهر

وبظاهر شرع همه آن مال مال دهنده است اگرچه بداند که او خمس و زکوة
نمیدهد و در مال الخ بالجمله خمس یا زکوة میباشد و معامله با چنین کسی مانع
ندارد و هرگاه معین مال الحرام نداند والله هو العالم سؤال زید متوفی شده
و عمر را وصی خود کرده اید و مخلفات اسباب دکان او را باز دید اهل خبره
بقیمت رسیده و مشتری نقد در مقابل بوده وصی با سایر مسلمین صلاح
در آن دانسته اند که از متروکات متوفی دکان قنادی که در اجاره بوده
بشغل قنادی وصی مشغول شود الی انقضاء زمان اجاره دکان نموده و بعد
از انقضاء بعضی اجناس را بقیمت نازل شده آیا جبر نقصان بر وصی لازم است
یا آنکه بر ورثه جواب تاخیر نمودن وصی اجاره دادن دکان و اسباب هرگاه
تجویز حاکم شرع جامع الشرایط بر وجه معتبر شرعا باشد بر وصی چیزی
نمیباشد ولیکن نزد داعی تاخیر نمودن انفاذ وصیت تاخیر نشود جایز
نیست بدانند و همچنین اجاره دادن با آنکه مقصود موصی نبوده جواز
آن شرعا ثابت نشده و هرگاه بدون فتوای مجتهد جامع الشرایط استعمالا
نموده شاید او غرامت کشد وصی ولیکن احتمال وجوب آن بر دلیل نمی
باشد هو العالم سؤال شک در عدد رکوعات نماز آیات چه طریق است
آیا بنا را بر اقل گذارد یا بر اکثر جواب بنا را بر اقل میگذارد چنانچه شک در رکعات

برکعات برنگردد والا باطل خواهد بود والله هو العالم سؤال متابعت کردن مأموم
را با امام در اقوال و افعال چنان فرمایند جواب متابعت در افعال کلا واجب بمعنی جایز نیست
تقدم بر امام و احوط مراعات تأخیر است و ترک مساوات و اما در اقوال واجب نیست
الا در تکبیرة الاحرام سؤال هرگاه شخصی وضو بسازد و آب را در وقت شستن رو
از بابت مقدمه بالاتر از رستنگاه مو بریزد و وقت مسح پیش سر دست بآن تری
برسد و از آن مسح پاها نماید چه صورت دارد ج هرگاه رطوبت از خارج
از آب وضو بسیار باشد و ممزوج شود بآب وضو بحیثیتی که در عرف نگویند
مسح بآب وضو اتفاق افتاده یا شک در این کند وضو باطل خواهد بود هو
العالم سؤال غسل ارتماسی همان فرو رفتن جمیع بدنست در آب تا بیرون
آوردن تنها است در فرو رفتن جواب غسل ارتماسی تمام میشود بعد از رسیدن
آب بجمیع اعضائی که واجبست غسل آن و مجرد خروج از آب مدخلیتی ندارد
والله هو العالم سؤال آیا واجبست فرق نماید میان واجب و مستحب در افعال
نماز و وضو و غیره یا نه جواب تمیز واجبات از مستحبات و معرفت صفت افعال از
حیثیت وجوب و استحباب احوطست ولیکن حکم بوجوب محل اشکال بلکه
ظاهر عدم وجوبست هو العالم سؤال هرگاه زید خبر دهد کسی غازی بوده
باشد از مسائل دینیه سفر همچه اشخاصی چه صورت دارد آیا میتواند که

غاز

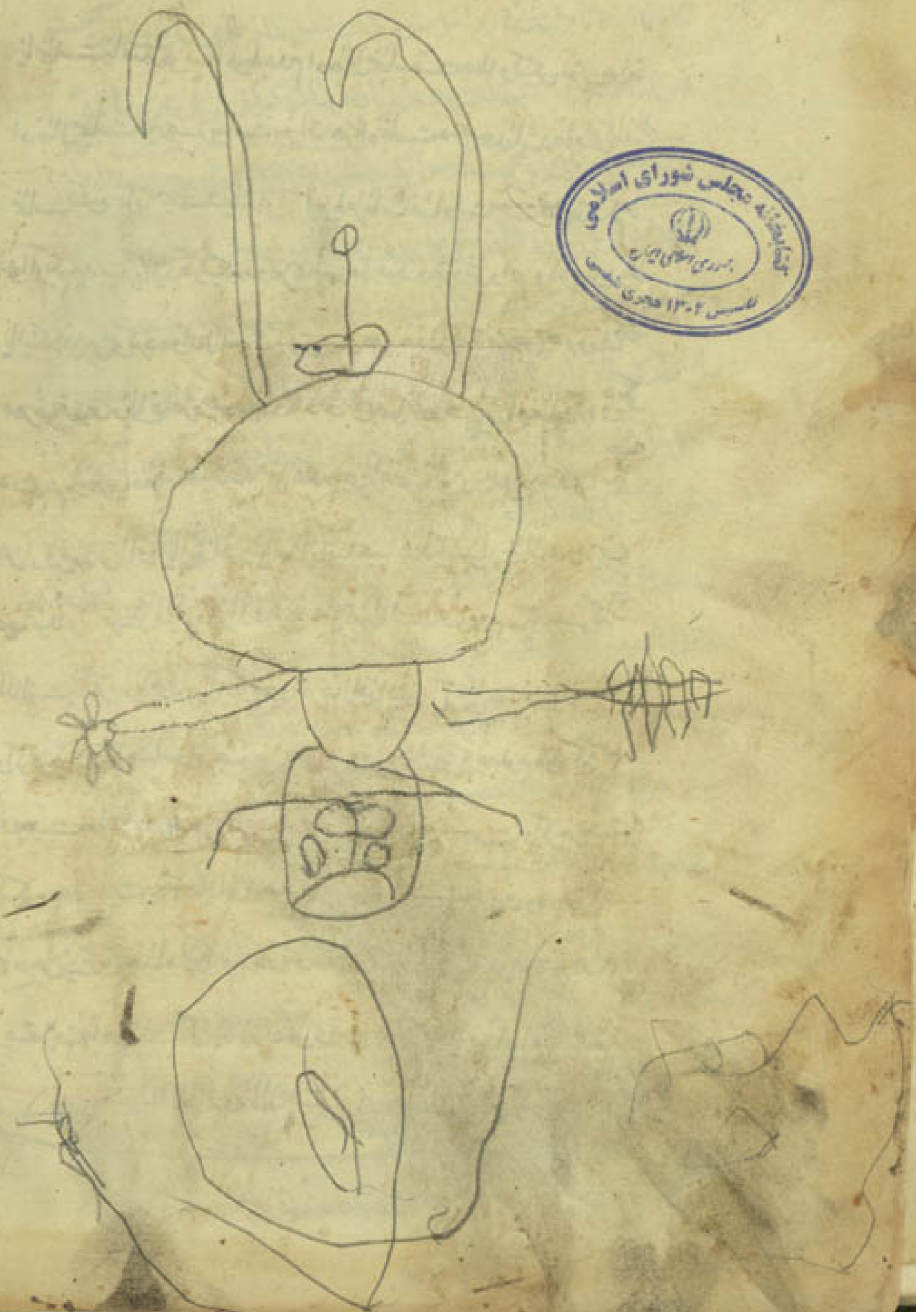
که نماز خود را قصر کند و روزه خود را بخورد یا نه جواب احتیاط اینست که چنین
شخصی سفر نکند و هرگاه بکند احتیاط جمع کند هو العالم سؤال هرگاه زید
خبر دهد عمرو را که فلان چیز نجس است و عمرو یقین بنجاست ندارد لیکن از خبر او
ظن حاصل شده است آیا عمل بظن واجبست که بکند یا نه جواب عمل بظن در این مقام
واجب نیست در صورتی که مخبر غیر عادل باشد ولیکن احوط مراعات ظن است
والله هو العالم سؤال هرگاه زینب نام بهر روز عادت حیضش بوده بلکه سه روز
از عادت مستمره حیضش گذشته که خون جزئی کم دید بنا بر استحاضه گذاشته
در وقت عصر نماز کرده و الیوم بقدر پشت ناخن خون دیده در این صورت
چکند بنا بر استحاضه گذارد یا عمل بحیض کند جواب چنانچه علم دارد که حیض
و غیر استحاضه نیست بنا بر استحاضه میگذارد و عمل آن بجا می آورد و هرگاه
مشتبه شد بین الحیض والاستحاضه مراعات احتیاط باینکه غسل حیض را بعمل آورد
با عمل استحاضه و نماز نگذارد شاید اولی باشد والله هو العالم سؤال هرگاه
شخصی محتلم که شغل ذمه قضا است غسل بکند اما نماز قضا نگذارد و غسل
را تا وقت رسیدن حاضر از برای قضا نگه دارد آیا غسل آن شخص صحیح است
و بآن غسل حاضر را میتواند بگذارد و یا آنکه غلط فاسد و در وقت حاضر
قضا محتاج بغسل دیگر است جواب غسل او صحیح است و هرگاه خود را از نوا

نگاه داشته تا وقت نماز داخل شود و بان غسل نماز بجا می آورد و نماز صحیح است
هو العالم سؤال تشهد واجب را بیان فرمایند که کمتر از آن مجزی نباشد
جواب احوط بلکه اقرب آنست که مصلی بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و بغیر این صلوات اللهم
و آلهم جایز است ولیکن خلاف احتیاط است و اما در تشهد غیر آن جایز نیست
سؤال ارکان نماز بنا بر رای آن صاحب [illegible] چند است بیان فرمایند ج داعی در رساله
العمل ایراد نموده ام اکثر ارکان را بجمله تکبیرة الاحرام و قیام متصل برکوع و رکوع
و سجودین و اما نیت در اکثر امور با رکن شبیه تر می باشد والله هو العالم س چوب
و حصیر حکمش حکم زمین است که آفتاب آنها را پاک میکند یا خیر و اگر زمین نجس را آفتاب
خشک شود و بعد با رطوبت بچیزی ملاقات کند آیا آن چیز نجس است یا طاهر ج
هر گاه خشک نمود آفتاب مطهر است و اگر [illegible] ملاقی برسید تا بان نجس نمیشود هو العالم
سؤال هر گاه جزئی از زمین محصوره یا جزئی از فرش نجس میشود و مشتبه شود آیا اجتناب
از کل ضرور است در سجود ولیکن چیزی با رطوبتی بان برسد و معلوم نباشد که
نجس رسیده یا نه جواب آن شی ملاقی باقی بر طهارت خواهد بود و هو العالم سؤال هر گاه
مظنه حاصل شود بجزء مشتبه یا تطهیر مظنون کافیست یا تطهیر [illegible] لازم است ج
ظن در اینمقام اعتبار ندارد سؤال دیگر ادخال نجاست مطلقا در مسجد حرام یا

نجاست

یا نجاست یا مسجد فی جواب احوط عدم ادخال نجاست مطلقا ولیکن اقرب جواز
ادخال نجاست غیر مسری است سؤال هر گاه نجاست در مسجد باشد مادامی که ازاله
نجاست نشود نماز صحیح است یا نه جواب احوط مراعات فساد است س غفر الله لکم و
لوالدیکم چه میفرمائید در اینکه دو نفر با هم معامله میکنند بفروش دایج و یا فروش زیالی
یا اینکه فعل حرامی کرده و از لباسی که گرفته پوشیده و غذائی که گرفته خورده و زنی که گرفته
مهر شد بفروش زیالی و تصرف نموده و اولاد از او بعمل آید در اینها چه باید کرد و دیگر
در عجم هم باینطریق معامله میکنند مثل آنکه چیزی را میخرند بچند شاهی و چند عباسی و چند
هزار و چند تومان آیا اینها هم مثل آنها فاسد میباشند یا نه بیان نمائید و مزید
فرمائید جواب فروش دایج و دینار و هر چه مثل آنها است در عدم تعیین جنس که از
طلا است یا نقره و یا پول سیاه اگر بیع و مشتری با آنها بشود اگر کلی است فاسد است
و اگر جزئیست اگر مشاهده و محسوس و [illegible] بشود بحیثیتی که معلوم شود که جنس
آن چیست غایة الامر بقیمت آن [illegible] بیع صحیح است و اگر جزئی نیست
ولیکن معلوم نمیشود که عین خارجی آن چه چیز است فاسد است و در عقد و
نکاح جزئیت حکم بفساد نمیکنیم و در صورت [illegible] فاسد است تصرف در مبیع حرام
و متصرف ضامن است مگر اینکه از فحوای قطعی بغیر جهت معامله راضی باشند
که اثم و ضمان منتفی است
تمت الکتاب [illegible]







AB AB′

۶۹